



ویژه امام زمان (عج)

نشریه ویژه نیمه شعبان
اسفندماه ۱۴۰۱ - ۴۸ صفحه
شماره ۷۷



- ویژگی یاران حقیقی حضرت
- راهکارهای حفظ دین در آخرالزمان
- اچگونگی ارتباط با امام
- راه وصول به اوج محبت و معرفت





اسفند ماه ۱۴۰۱

ویژه امام زمان (عج)

ویژه نامه نیمه شعبان نشریه الکترونیکی امان شماره ۷۷

صاحب امتیاز:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) السلام

سر دبیر:

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نصوری

دبیر علمی:

حجت الاسلام والمسلمین تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی:

زهره رجبی شیوزی

همکاران این شماره:

ماه منیرداستان پور



بنیاد ملی میراث فرهنگی

تهران، میدان فلسطین، ساختمان ستاد اقامه نماز،

طبقه چهارم

تلفن: ۰۲۱۸۶۰۳۵۶۸۳

۳۰۰۰۱۳۶۶ | سامانه پیامکی

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) السلام، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه. به ویژه نسل جوان با شخصیت امام مهدی (عج) السلام و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری (عج) السلام از سوی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در سال ۱۳۷۹ تأسیس گردید.

الإنسان كامل

می گویند: وَالْعَصْرِ. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ «عصر» انسان کامل است؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است. یعنی «عصاره» همه موجودات.

امام خمینی (ره)
روح الله
۷ تیر ۱۳۵۸

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

حالا ببینید که تحت مراقبت هستید. نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان. سلام الله علیه. هفته ای دو دفعه، به حسب روایت. من می ترسم که مایی که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم، شیعه این بزرگوار هستیم، اگر نامه اعمال را ببیند. و می بیند، تحت مراقبت خداست. نعوذ بالله شرمنده بشود. شما اگر یک فرزندتان خلاف بکنند، شما شرمنده آید. اگر این نوکر شما خلاف بکنند، شما شرمنده آید. در جامعه آدم شرمنده می شود که پسرش این کار را کرده یا نوکرش این کار را کرده، یا اتباعش این کار را کرده. من خوف این را دارم که کاری ما بکنیم که امام زمان. سلام الله علیه. پیش خدا شرمنده بشود. اینها شیعه های تو هستند دارند این کار را می کنند! نکنید. یک وقت نکنند، یک وقت خدای نخواستہ یک کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته برود، نوشته هایی که ملائکه الله که مراقب ما هستند، «رقیب» [۲] هستند. هر انسانی رقیب دارد و مراقبت می شود. ذره هایی که بر قلب های شما می گذرد رقیب دارد. چشم ما رقیب دارد. گوش ما رقیب دارد. زبان ما رقیب دارد. قلب ما رقیب دارد. کسانی که مراقبت می کنند اینها را. نکنند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان ما و سایر دوستان امام زمان. سلام الله علیه. یک وقت چیزی صادر بشود. که موجب افسردگی امام زمان. سلام الله علیه. بشود، مراقبت کنید از خودتان. پاسداری کنید از خودتان. اگر بخواهید این پاسداری شما در دفتری که پاسداران صدر اسلام در او ثبت است در آن دفاتر ثبت بشود، همانطور که آنها پاسداری می کردند از خودشان، شما هم از خودتان پاسداری کنید، ثابت بشود آنجا.

صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۹۱



«نیمه‌ی شعبان، مظهر امید به آینده است؛ بقیه امیدها ممکن است بشود، ممکن است نشود؛ اما امید به اصلاح نهایی به وسیله‌ی حضرت صاحب‌الزّمان امید غیر قابل تخلف است. السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنْتَهُ.» ۹۷/۲/۱۰

معتقدین به ظهور هیچ گاه دچار ناامیدی نمی‌شوند

معتقدین به ظهور ولیّ عصر و وجود ولیّ عصر (ارواحنا فداه) هیچ‌گاه دچار ناامیدی و یأس نمی‌شوند، و می‌دانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی‌ها و این سیاهی‌ها را برطرف خواهد کرد.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۱۳۹۶/۰۲/۲۰

قبل از دوران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست... در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند. در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواحنا فداه) روزه روز نزدیکتر می‌شود، این، آن امید بزرگ است، لذا روز نیمه شعبان، روز عید بزرگ است.

بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

بررسی مفهوم انتظار در اندیشه رهبرانقلاب؛

ساخت تمدن نوین اسلامی بر پایه مفهوم انتظار

مفهوم انتظار فرج

ترکیب مفهومی انتظار فرج از دو جزء «انتظار» و «فرج» تشکیل شده است که هر یک باب وسیعی است که نیاز به تنقیح و بازشناسی مفهومی دارد. به عنوان شناخت اولیه از این دو مفهوم، انتظار به معنی مترصد حقیقتی بودن و فرج به معنی گشایش در کار است. به عبارت دیگر در انتظار فرج، حقیقتی که مترصد آن هستیم همان گشایش در امر است که به وسیله ولی خدا محقق خواهد شد؛ از این ترکیب مفهومی اصل اولیه: انفتاحی بودن، عدم انسداد و پیشرفت‌گرایی اسلام را می‌توان برداشت کرد.

مبارزات طیفی از علمای شیعه و به ویژه امام خمینی علیه السلام باعث ارائه‌ی رویکرد فعال و سازنده از مقوله‌ی انتظار گردیده است. لذا انتظار نور امید است؛ دست روی گذاشتن و تنها به امید آینده نشستن، انتظاری بی محتوا است. فرج نهایی که با ظهور ولی عصر علیه السلام محقق می‌شود، یکی از مصادیق و مصداق کامل فرج است.

مهم‌ترین مصادیق اشاره شده در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای موارد زیر است:

عدالت و رفع ظلم در سطح جهان.

تشکیل جامعه‌ی توحیدی و حاکمیت اسلام.

فتح ابواب معرفت.

گشایش در تمام مشکلات!

مفهوم گشایش در کارها

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ذیل یکی از روایات اخلاقی فرموده‌اند: «وَإِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ عِبَادَةَ» این انتظار فرج، فقط انتظار فرج به معنای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام نیست، مطلق فرج است. نفس اینکه انسان انتظار فرج داشته باشد، یعنی اگر در یک شدتی قرار دارد، انتظار داشته باشد که آن شدت برطرف بشود. این، یعنی چه؟ یعنی اینکه: شما هرگز در هیچ شرائطی نباید ناامید بشوید! در بیانات معظم له برای فرج ویژگی‌هایی بیان شده که عبارتند از:

در انتظار فرج حضرت ولی عصر علیه السلام، مسئله این نیست که گشایش نسبت به کار فرد یا نهایتاً شیعیان حاصل شود، بلکه گشایش و فرج نسبت به تمام بشریت مورد انتظار است.

تدریجی بودن حرکت طبیعی منتهی به ظهور و فرج

در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فعالیت‌ها و نهضت‌های انجام گرفته پیش از ظهور برای تحقق عدالت، از جمله انقلاب اسلامی، حرکتی است که با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام به نهایت خود خواهد رسید و هر کدام از این حرکات، گامی است در جهت تحقق فرج نهایی و مؤثر در نزدیکی ظهور.

نزدیک شدن زمان ظهور و فرج نهایی بر اثر زمینه‌سازی‌ها

این مضمون در کلمات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به دفعات تکرار شده است. در نگاه ایشان، تلاش

در راه تحقق وعده‌ی ظهور، تمام حرکات مسئولین در جهت استقرار عدالت؛ اسلام و احکام اسلامی در جمهوری اسلامی؛ پیشرفت در کسب معرفت، صلاحیت‌ها و اصلاح جامعه، فداکاری و شهادت؛ تشکیل حکومت اسلامی بر اثر انقلاب اسلامی ایران و تداوم انقلاب اسلامی؛ همگی باعث نزدیک شدن ظهور است، بلکه در صورت نبود این موارد، ممکن نیست امام زمان علیه السلام ظهور کند.

آغاز حرکت تکاملی انسان در دوران فرج

تکامل بشریت در دنیا در دوران ظهور محقق می‌شود. در سخنان رهبر انقلاب، حرکت انسان پیش از ظهور تشبیه شده است به حرکت در پیچ و خم کوه‌ها و لجن‌زارها، و حرکت تکاملی انسان پس از ظهور تشبیه شده است به حرکت در بزرگراه و به عبارت دیگر حیات اصلی و حقیقی انسانیت در عهد ظهور محقق می‌شود. البته این تکامل انسان در دوران پس از ظهور، امری دفعی نیست بلکه تدریجی و باسیر مراحل تکامل است.



عینیت مسئله انتظار در مکتب تشیع

از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای، در مسئله مهدویت، اولویت تحقیق با مسائلی همچون طول عمر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و مسائلی از این قبیل نیست، بلکه مسئله‌ی تشخیص حضرت و اثبات اینکه مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه فرزند امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه است، اولویت دارد. اینکه برخلاف دیگر مکاتب اسلامی مهدی منتظر در مکتب تشیع یک انسان واقعی و مشخص به نام و نشان، و بنا بر ادله متقن متولد شده است و در حال حاضر موجود است و حاضر و ناظر ما است، مسبب آن شده است که در مکتب تشیع امید به موعود یک امید مبهم نبوده و شیعه درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه در عالم ذهنیات غوطه‌ور نباشد.

امید و حرکت در نتیجه انتظار شیعی

در مکتب شیعه به علت عینیت قضیه‌ی مهدویت، ایمان و اعتقاد به حضور منجی چنان امیدی در دل انسانها به وجود می‌آورد که منجر به تسلیم‌ناپذیری ملت و حرکت عظیم جامعه می‌شود که از جمله است حرکت عظیم انقلاب اسلامی در ایران.

کارکردهای تمدنی انتظار فرج

فارغ از اینکه انتظار فرج و گشایش نهایی بشریت چه فوائد عظیمی برای انسان دارد، نفس باورمندی به اینکه روزی بشر از ظلم نجات خواهد یافت و حاکمیت زر، زور و تزویر برچیده خواهد شد و بشر به اوج اعتلای انسانی خواهد رسید، برای انسان دارای آثار ارزنده‌ای است.

لوازم انتظار فرج

از مهم‌ترین لوازم انتظار فرج، مسئله‌ی تلازم امید و انتظار است. امید یکی از پرتکرارترین واژه‌هایی است که در سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای پیرامون مهدویت و انتظار تکرار شده است و به نظر می‌رسد مهم‌ترین لازمه‌ی انتظار فرج باشد. این لوازم به لحاظ منطقی به ترتیب زیر است:

<<<< قانع نبودن به وضعیت موجود

انتظار یک حقیقت، مستلزم آن است که شخص منتظر معتقد باشد که در حال حاضر آن حقیقت و آن گشایش تماماً محقق نشده است، لذا به وضعیت موجود قانع نیست. شاخصه‌ی وضعیت موجود در حال حاضر نیز همان ظلم و جور است که در دنیا وجود دارد و با ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه واستقرار عدالت کامل، برطرف می‌شود.

<<<< اطمینان به فرج و تحقق آن

از دیگر لوازم انتظار، آن است که شخص منتظر مطمئن است و یقین دارد که متعلق انتظار حتماً محقق خواهد شد، متعلق انتظار به طور عمده عبارت از تحقق عدالت به دست حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه است.

<<<< اطمینان به برچیده شدن بساط ظلم

از دیدگاه ایشان انتظار فرج مستلزم قابل زوال بودن نظم کنونی ظالمانه‌ی جهان است و این خود امید مبارزه را در ملت‌ها برمی‌انگیزاند.

<<<< امید و حرکت

امید در اندیشه‌ی حضرت آیت الله خامنه‌ای به چیزی اطلاق می‌شود که اشتیاق و انگیزه‌ی حرکت در انسان را ایجاد می‌کند. ملتی که امید به پیروزی نداشته باشد از حرکت و مبارزه در مقابل ظلم بازمی‌ماند. بنابراین امید به فرج و برقراری عدالت و برچیده شدن ظلم، باعث تحرک و مبارزه‌ی ملت‌ها علیه دشمنان و حیات و نشاط ملت‌ها است.

<<<< تکلیف به عمل و کسب آمادگی

آمادگی برای ظهور و انجام تکالیف عملی متناسب با ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه یکی از لوازم انتظار فرج به شمار می‌رود. با توجه به اینکه در روایات، انتظار فرج از افضل اعمال دانسته شده است، لذا انتظار مستلزم حرکت، عمل و کسب آمادگی‌های لازم برای فرج نهایی است. در اندیشه‌ی حضرت آیت الله خامنه‌ای یکی از مصادیق کامل آمادگی برای ظهور، ایستادگی و استقامت عاشوراگونه است که در صورت گسترش این روحیه در میان منتظران، زمینه‌سازی ظهور فراهم خواهد شد.

<<<< کسب و اعمال قدرت سیاسی

نظر به معارف قرآن کریم، اقامه‌ی قسط و عدل در جهان نیازمند قدرت است. ستمگران عالم با زبان نصیحت دست از ظلم و زیاده‌طلبی و سلطه‌گری و استثمار برنمی‌دارند؛ مؤید این مطلب آن است که رواج اعتقاد به عدم اعمال قدرت در مقابل قدرتهای زورگو و اکتفا به نصیحت آنان، خواسته و آرزوی قدرت‌های جهانی است.

انتظار فرج کارکردهای مؤثری در ساخت برتر تمدن اسلامی دارد که در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مواری از آنها اشاره شده است:

یک. اصلاح معرفت دینی و فهم از دین

یکی از کارکردهای اساسی انتظار فرج این است که به فهم صحیح از دین کمک می‌کند. «مسئله‌ی انتظار که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است». با توجه به این بیان مقصود از فهم دین، فهم جنبه‌های اجتماعی و انقلابی دین است که منجر به حرکت جامعه به سمت اهداف والای اسلامی است.

دو. امیدبخشی و نیروبخشی برای اقدام

این اعتقاد که بنا نیست دنیا با ساختارها، قالب‌ها و نظامات استکباری فعلی باقی بماند، باعث ایجاد امید در ملت‌های محروم و مظلوم به رهایی از ظلم و ستم است.

سه. رهایی از پوچی

ملت‌ها و بخصوص جوانان عالم که خود را به سنت‌ها پایبند نکرده‌اند، با دیدن مظاهر ظلم و ستم در دنیا دچار یأس و ناامیدی و در نهایت دچار پوچی می‌شوند. بنابراین اعتقاد به آینده و فراگیر شدن عدالت در جهان، مانع گرفتاری ملت‌ها به پوچی است.

چهار. ساخت سرنوشت بشر

باور به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و موضوع عهد ظهور و فرج و انتظار آن، گنجینه‌ی عظیمی است که می‌توان از آن بهره‌های فراوانی برد؛ یکی از آن موارد در میدان زندگی اجتماعی و عمومی است و آن عبارت است از کنشگری بهنگام در ساخت سرنوشت بشر و ملت‌ها.

پنج. ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار

این کارکرد انتظار فرج در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به انحاء مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. عمدتاً مباحثی که از معظم له پیرامون امید مطرح شد، با مبارزه و ایستادگی پیوند مستقیم دارند، به گونه‌ای که مایوس نبودن ملت‌ها و امیدواری آنها به آینده باعث هویت‌یابی آنها و تلاش و مبارزه‌ی آنها در راه خیر و صلاح و عدالتخواهی و اصلاح جامعه می‌شود.

وظایف جامعه منتظر

<<<< تلاش برای حاکمیت اسلام >>>>

انتظار واقعی مستلزم زمینه‌سازی برای ظهور است. زمینه‌سازی برای ظهور عبارت است از عمل کردن به احکام اسلامی که با حاکمیت اسلام و قرآن حاصل می‌شود.

<<<< پذیرش عدالت و برقراری آن >>>>

از آنجا که امام زمان عجل الله تعالی فرجه مظهر عدل پروردگار است و انتظار ایجاب می‌کند که شخص منتظر خود را نزدیک کند به آنچه منتظر از او توقع دارد، لذا وظیفه دارد که اولاً خودش عدل و حق را پذیرا باشد و ثانیاً تلاش کند تا عدالت را در جامعه حکم فرما کند، زیرا عدالت در بنای یک جامعه از همه چیز مهم‌تر است.

<<<< کسب آمادگی مادی و معنوی و رفع نواقص اجتماعی >>>>

کسب آمادگی از لوازم انتظار فرج است، نمونه‌ای از این آمادگی‌ها عبارتند از: آمادگی علی و فهم بشر نسبت به معنای عدل؛ آمادگی معنوی، ایمانی و اخلاقی، و پیوند قلبی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه که مستلزم اصلاح نفس است؛ پیوند دینی و عاطفی با مؤمنین؛ آمادگی برای مبارزه و رویارویی با زورگویان؛ تقویت عزم و اراده؛ تقویت بصیرت؛ تقویت معرفت عمومی؛ ایجاد رفاه عمومی؛ ایجاد امنیت عمومی؛ تلاش به قدر توان برای برطرف کردن هر نقص و کمبودی که در جامعه وجود دارد و....

<<<< مجاهدت و مقاومت >>>>

با توجه به امتحانات و ابتلائات پیش از ظهور که در روایات نیز بر آن تأکید شده است، ایستادگی و مقاومت در میدان‌های این ابتلائات و امتحانات، از وظایف منتظران ظهور است. سطوح مبارزه هم مختلف است: مبارزه‌ی اصغر و مجاهدت‌های میدانی با طاغوت‌های بیرونی، مبارزه‌ی کبیر و عدم تبعیت از کفار و دشمنان اسلام، مبارزه‌ی اکبر و مبارزه با طاغوت درونی.

حکومت اسلامی و انتظار فرج

یکی از مسائل پر تکرار در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بحث نسبت حکومت اسلامی با انتظار فرج و تأثیر انقلاب اسلامی بر ظهور و تأثیر انتظار فرج بر شکل‌گیری انقلاب و نظام اسلامی، و همچنین چگونگی حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه است.

مردمی بودن حکومت حضرت

در اندیشه‌ی رهبر انقلاب حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه یک حکومت مردمی است. مردمی بودن حکومت ایشان اولاً به معنی این است که حکومت متکی به اراده‌ها، ایمان‌ها و بازوان مردم است، و ثانیاً به این معنی است که مسئولین به فکر سوءاستفاده از قدرت به نفع خودشان نیستند و در سطح مردم معمولی زندگی می‌کنند.

لزوم برقراری حکومت اسلامی

به عنوان مقدمه‌ی ظهور

حرکت منتهی به ظهور، یک حرکت تدریجی و حلقه‌ای از حلقات ظهور است. این حرکت تدریجی با ظهور امام و تشکیل حکومت صد در صد عادلانه به کمال خود می‌رسد. بر این اساس، رهبر معظم انقلاب مقدمه‌ی تشکیل چنین حکومتی را، به وجود آمدن حکومتی حائز مراتبی از عدالت و اسلام می‌دانند.

شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران

بر اساس اندیشه‌ی انتظار

در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای انتظار فرج و امید به آن، منجر می‌شود که هر حرکت عدالت‌خواهانه‌ای در جهت سنت طبیعی عالم محقق گردد؛ از جمله مصادیق آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تداوم این انقلاب است؛ به عبارت دیگر مردم ایران با درک درست نسبت به قضیه انتظار، ذهنیت درستی نسبت به انقلاب از دیدگاه اسلام پیدا کردند و این منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد. در نگاهی دیگر، از آنجا که مبنای انقلاب ایران، اسلام است و انتظار فرج یکی از بخش‌های اعتقادی اسلام است، پس انقلاب ایران ناشی از عقیده به مهدویت و انتظار فرج نیز هست.



سخنان امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَنَكْتَه‌ها

امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى واسطه فیض الهی

یک . برآستی که من موجب امنیت اهل زمین هستم چنان که ستارگان سبب امنیت اهل آسمانند. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳)

نکته‌ها:

- این که امام واسطه فیض الهی و سبب الطاف خداوندی است درمتون دینی، فراون آمده است چنان که قرآن کریم درباره پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ... چنین نیست که خداوند امت را عذاب کند در حالی که تو در میان آنها هستی. (انفال/۳۳)
- از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام سوال شد که آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ فرمود: اگر زمین بدون امام بماند هرآنچه اهل خود را فرو می برد. (کافی، ج ۱، ص ۱۷۹)

توصیه امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى به شیعیان

دو . هریک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می شود، پیشه خود سازد و از آنچه موجب خشم ما می گردد، دوری گزیند؛ زیرا امر ما ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان توبه برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر نجات می بخشد. (الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸)

نکته‌ها:

- امام عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى از شیعیانش می خواهد که به کارهایی روی آورند که موجب دوستی امامشان گردد و نیز هرکاری که سبب ناخشنودی امام است را ترک کنند و دستور امام، باید اطاعت شود.
- باید تا پیش از ظهور به تربیت نفس و تزکیه خویشتن اقدام کنیم وگرنه درهنگام ظهور امکان همراهی با امام را نخواهیم داشت و چه بسا گرفتار خشم امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى گردیم.

علت تأخیر در ظهور امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى

سه . اگر شیعیان ما- که خداوند برای اطاعت خویش توفیقشان دهد- دل هایشان در وفا به عهد و پیمانی که با ما دارند، گرد هم می آمد، از فیض دیدار ما محروم نمی شدند، و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می شد، دیداری از روی معرفت و راستین. پس ما را از آنان باز نمی دارد، جز اخبار ناخوش آیند و ناروایی که از آن‌ها به ما می رسد و ما از ایشان انتظار (آن کارها) را نداریم! (الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹)

نکته‌ها:

- امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى از شیعیانش همدلی دروفای به پیمانی که با خدا و امام دارند را می خواهد و همین را از عوامل تعجیل در ظهور خود معرفی کرده است.
- امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى از زشتی‌ها و گناهان ما شکایت دارد و آن را از عوامل محرومیت شیعیان از دیدار و ظهور خود دانسته است.

راز پرداخت وجوه مالی به امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى

چهار . اما اموال شما، پس آن‌ها را نمی پذیریم، مگر به خاطر این که پاك شوید. پس هرکه می خواهد، بپردازد و هرکه نمی خواهد، نپردازد. آنچه را که خدا به ما عنایت فرموده، از آنچه به شما عطا نموده بهتر است. (الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۸۴)

نکته‌ها:

- امام نیازی به مال و امکانات ما ندارد و آنچه شیعیان به امام می پردازند اولاً به فرمان خداست و ثانیاً موجب رشد ایمانی و پاکی خودشان است.
- در قرآن کریم نیز مشابه تعبیر امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى آمده است؛ آنجا که به پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا



دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره شیعیان

پنج . ای روشنی بخش روشنی‌ها؛ ای تدبیرکننده کارها؛ ای کسی که تمام مردگان درون قبر را برمی‌انگیزی، بر محمد و آل محمد درود بفرست و گشایشی برای من و پیروان من فراهم کن تا از این تنگنا رها شویم، و از اندوه‌ها بدرآییم؛ و مسیر و راه ما را وسیع گردان، و از نزد خودت به گونه‌ای برای ما رهایی مقرر کن که گشایشی در تمام امورمان حاصل شود؛ و آن‌گونه که تو سراوارش هستی - ای بزرگوار - با ما رفتار کن. (مصباح کفعمی، ص ۴۰۷)

نکته‌ها:

- امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همان گونه که برای فرج و گشایش خود دعا می‌کند برای گشایش امور شیعیان نیز دعا می‌کند و این از جلوه‌های مهربانی امام است.
- در روایت است که: هرکس این دعا را همیشه بخواند، با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محشور خواهد شد.

نجات از گمراهی و فتنه‌ها

شش . به نام خداوند بخشنده مهربان؛ خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه‌ها حفظ کند، به ما و شما روح یقین عنایت فرماید، ما و شما را از سوء خاتمه و بدی بازگشت، در پناهش قرار دهد. (الغیبة للطوسی، ص ۲۸۵)

نکته‌ها:

- در نگاه امام، نجات از گمراهی و فتنه‌ها و دست یافتن به نعمت یقین و باور عمیق و سرانجام قرار گرفتن در پناه حق تعالی در روز قیامت، از مهم‌ترین خواسته‌هاست.

اهمیت سجده شکر

هفت . سجده شکر از لازم‌ترین سنت‌ها و واجب‌ترین آنهاست. (الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۸۷)

نکته‌ها:

- امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: هر مؤمنی که برای شکر نعمتی در غیر نماز برای خدا سجده شکر بجا آورد خداوند برای او ده حسنه می‌نویسد و ده گناه از او محو می‌کند و در بهشت ده درجه وی را بالا می‌برد. (علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۰)
- امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: سجده بعد از نماز واجب، در واقع شکر خداوند است از اینکه این توفیق را به بنده داد تا فریضه‌اش را بجای آورد و کمترین چیزی که در این سجده گفته می‌شود سه مرتبه "شُکْرُ اللَّهِ" است... (همان)

دعای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ظهور

هشت . خداوندا به آنچه بر من وعده دادی وفا کن و امر مرا به کمال برسان، و گام‌های مرا استوار بدار، و زمین را به دست من آکنده از عدل و داد ساز. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۸)

نکته‌ها:

- امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روزهای آغازین تولد، این دعا را بر زبان جاری کردند و این به معنی مأموریت اصلی و قطعی ایشان در عالم است که در وعده حتمی پروردگار آمده است.
- امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود برای ظهور و فرجش دعا می‌کند و دعای ما برای ظهور آن حضرت در ادامه دعای آن بزرگوار است.





راه وصول به اوج محبت و معرفت

تمام انبیا و اولیا آمده اند تا ما را به سوی آن نقطه متوجه سازند. محبت به اولیای خدا هنگامی ارزش می یابد که در سایه محبت خدا باشد. اگر محبت ما به اولیای خدا ضمایمی داشته باشد، آن محبت، اصیل نیست. اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه را از آن جهت دوست می داریم که جهان ما را آباد کند و نعمت هایمان را فزونی بخشد، ما دوستدار آبادانی و نعمتیم، نه دوستدار مولا و ولایت او. اگر به او عشق می ورزیم، از آن جهت که زمان ظهورش، علم و پیشرفت های معنوی، راحت و بی زحمت به دستمان آید، دوستدار راحتی هستیم، نه محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه.

باید در پرتو معرفت حقیقی به خداوند و جانشین برحق او در زمین، تمام ضمایم، آرایه ها و پیرایه ها را از دل هایمان بزدایم تا محبت ما پاک و خالص شود. چنین محبتی کیمیا است و چنان دلی تجلی گاه عشق کبریا شمرده می شود؛ دلی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه را فقط برای خدا دوست می دارد، نه برای خود....

هدف از وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه و آبیای گرمی اش این بوده است که من و شما با خدا آشنا شویم؛ بنابراین، هرچه با تمسک به گفتار و رفتار اهل بیت علیهم السلام در مسیر معرفت و عبودیت خداوند پیش برویم، به اهداف حضرت نزدیک تر شده، و قلب مطهر او را شادتر ساخته ایم؛ چرا که حضرت، بالاترین عاشق خدا است.

وجود انسان را می توان به هرمی تشبیه کرد که از قاعده ای آغاز می شود و به سوی نقطه ای پیش می رود. در قاعده این هرم، شناخت ها و محبت های فراوانی وجود دارد؛ از محبت ها، محبت پدر، مادر، همسر، استاد، دوست، همسایه و محبت همه کسانی که به او احسانی کرده اند یا امری را به او آموخته اند، و از شناخت ها نیز از علوم گوناگون دینی همچون فقه، اصول، عقاید، اخلاق و عرفان گرفته تا هر رشته علمی که بتواند در جهت کمال به انسان کمک کند. این شناخت ها و محبت های فراوان در سطح قاعده وجود آدمی، گسترده و پخش است.

پالایش محبت و معرفت

در سیر و سلوک به سوی کمال، باید از قاعده آغاز کرد؛ ولی باید به سوی رأس هرم که همان محبت و شناخت خدا است، پیش رفت. طبیعی است که آدمی در ابتدا پدر و مادر خویش را دوست می دارد و به خویشان و دوستانش محبت می ورزد؛ اما این ها باید پالایش شود. اگر محبت هایی با محبت خدا و اولیای خدا در تنافی باشد، باید حذف شود. دوستانی را باید برگزید که کمالاتشان بر جهات منفی شان برتری داشته باشد؛ دوستانی که در راه محبت خدا و اولیای او گام بر می دارند.

اگر دوستان و خویشانی داریم که رفتار غالبشان با رفتار اولیای خدا نمی سازد، رشته محبت و دوستی بایشان باید قطع شود:

تو گر سودای گل داری چرا پس در پی خاری
اگر دیوانه یاری چرا پس یار دیوانی

(غروی اصفهانی، دیوان، ص ۲۷۳)

« بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده اید، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید، و خانه هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما فرود آورد، و خداوند جمعیت نافرمان بردار را هدایت نمی کند. » (توبه: ۲۳)

این کثراتی که در قاعده وجود دارد، از دو محور به طرف وحدت پیش می رود تا در یک نقطه به هم می رسند؛ نقطه ای که حتی در آن، محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه نیز اصالت خود را از دست می دهد. در آن مقام، امام زمان عجل الله تعالی فرجه را نیز از این جهت دوست می داریم که بنده صالح و شایسته خدا است. به او عشق می ورزیم، چون وجودش، شعاعی از وجود او است. اصالت فقط برای یک نقطه است:

« قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ؛ بگو؛ خدا؛ سپس بقیه را واگذار. » (انعام: ۹۱)



حکومت ولایی و زمینه‌سازی ظهور ...

..... جامعه ولایی زمینه‌ساز

چنان‌که گذشت در روایت امام زمان (عج) وفای به عهد و پیمان عامل زمینه‌ساز و تسریع بخش در ظهور است. بدون تردید تلاش مردم برای برپایی و تحقق «جامعه ولایی» از مصادیق بارز و مهم «وفای به عهد» شمرده می‌شود؛ چرا که در چنین جامعه‌ای آحاد مردم به این باور رسیده‌اند که رمز سعادت و خوش‌بختی آنان رجوع به دین و نواب امام زمان (عج) و کار بست نظری و عملی منویات آنان است.

این موضوع از جمله مواردی است که در توقیع شریف حضرت به اسحاق بن یعقوب مورد تأکید قرار گرفته و امام (عج) مردم را در حوادث و پیش‌آمدهای روزگار به راویان حدیث (دانش‌مندان حدیث‌شناس و دین‌شناس مکتب اهل‌بیت (عج)) ارجاع می‌دهد و آنها را حجت خود بر مردم معرفی می‌کند.

از این رجوع مردم به عالمان دینی، هم مصداقی از وفای به عهد است و هم آن‌که عمل به عهد دیگر در گرو اخذ معارف و احکام دین از عالمان دینی است. بنابراین، پذیرش زعامت و ولایت علما و فقهایی صالح دینی در عصر غیبت، می‌تواند نسبت به موضوع «عهد زمینه‌ساز» هم موضوعیت داشته باشد و هم طریقت. از این رو تحقق و توسعه فرهنگ ولایی در جوامع، می‌تواند گفتمان منجی‌خواهی را گسترش و کام‌تشنه‌کامان را به چشمه معارف و حیوانی یعنی حجة بن الحسن عسکری (عج) تشنه‌تر نماید. آن‌چه روایت شریف امام عصر (عج) بر آن تصریح دارد، اجتماع و انسجام مردم بر وفای به عهد است و هیچ عاملی به اندازه پذیرش ولایت فقها و عالمان دینی که در سایه ولایت معصومان (عج) است، نمی‌تواند موجبات این اجتماع و انسجام را پدید آورد و این یک پارچگی و هم‌رنگی در مرجعیت دینی خود رافع بخشی از موانع ظهور و زمینه‌ساز آن خواهد بود.

زمینه‌سازی ظهور با اصلاح فردی و فرافردی جامعه میسر است نه با افساد و گناه، هرچند فعالیت‌های اهل طاعت و عصیان (جبهه باطل) در آخرالزمان اوج خواهد گرفت. اما باید دید مهم‌ترین اکسیر در سرعت بخشی به فرآیند ظهور و رفع موانع آن چیست.

در روایت شریف امام عصر (عج) سخن از آن است که اگر شیعیان در وفای به عهد و پیمان‌شان یک‌دل و هم‌گام بودند، ظهور و لقای رخ یار به تأخیر نمی‌افتاد و صبح دیدار حضرت زودتر برمی‌آمد. این روایت بیان‌گر رابطه مستقیم میان خوش‌عهدی مردم زمانه و تعجیل در زمینه‌سازی فرآیند ظهور است. حال باید دید مهم‌ترین عهد میان امام (عج) و مردم کدام است و به دیگر معنا کدام پیمان می‌تواند زمینه‌های ظهور یار را سرعت بخشد.

..... ولایت

معنای غالبی که برای واژه «ولایت» در لغت به کار رفته، رهبری، سرپرستی و تصرف است. ولایت ممکن است الهی، یا شیطانی باشد. بدین معنا که در ولایت الهی، خداوند سرپرست و متصرف در شئون انسان هاست. از سوی دیگر ممکن است شیطان سکان‌دار کشتی انسان گردد. این معنا از ولایت را می‌توان در آیه «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ ...» (نساء: ۷۶) مشاهده نمود که در آن سخن از کسانی است که رهبری و سرپرستی امورشان از آن شیطان است.

..... جامعه ولایی

جامعه ولایی جامعه‌ای است که سرپرستی و رهبری خداوند و دین را پذیرفته و با رفتن زیر چتر ولایت، در صدد مصونیت بخشی خود از انحرافات و حوادث است. خداوند متعال در آیاتی نظیر آیات ولایت، اکمال، و اولی الامر همگان را به پذیرش این مهم ملزم کرده و سامان دین و دنیای مردم را در اطاعت از اولیا و ائمه دین (عج) دانسته است. این رهبری و ولایت در عصر غیبت به نواب عام امام زمان (عج) واگذار شده است.

..... حکومت ولایی

اگر در جامعه‌ای علاوه بر گرایش به ولایت دینی و فقهی و پذیرش آن، قدرت و مجاری امور به دست حاکمان دینی باشد، این جامعه «حکومت ولایی» دارد. نظریه «حکومت ولایی در عصر غیبت» بر این پایه استوار است که ملک و مُلک از آن خدای دانا و تواناست و تنها اراده و امر عالمانه و حکیمانه اوست که سعادت و رفاه بشریت را تأمین می‌کند. از این رو حاکم دینی و ولی فقیه موظف است با کشف و تطبیق اراده و قانون الهی در پرتو نقل (قرآن و سنت) و عقل، مجری اوامر الهی در جامعه باشد تا بستری مناسب برای کمال جامعه فراهم شود. چنین حکومتی با تلاش مستمر، در رشد، آگاهی و تعالی اخلاقی و بالا رفتن سطح بینش و خردورزی مردم می‌کوشد تا آنان خود، صلاح و سداد را انتخاب کنند.



..... حکومت ولایای زمینه ساز

حکومت ولایای و دینی امری بایسته است که ائمه علیهم السلام بارها با تعبیر گوناگون بر ضرورت آن پای فشرده اند. امام علی علیه السلام در نامه خود به مردم مصر، اساسی ترین نگرانی خود را درباره جامعه، آن می داند که سفیهان و فاجران قدرت و حکومت را به دست گیرند و ولایت سیاه شیطانی خود را اجرا کنند و مردم را به بردگی و بندگی وادارند. امام علیه السلام می فرماید:

«به خدا سوگند اگر تنها با دشمنان روبرو شوم، در حالی که آنان تمام روی زمین را پر کرده باشند، نه باکی داشته، و نه می هراسم. من به همراهی آنان و هدایت خود که بر آن استوارم، آگاهم، و از طرف پروردگارم به یقین رسیده ام، و همانا من برای ملاقات پروردگار مشتاق، و به پاداش او امیدوارم. لکن از این اندوهناکم که بی خردان، و تبه کاران این امت، حکومت را به دست آورند، آنگاه مال خدا را دست به دست بگردانند، و بندگان او را به بردگی کشند، با نیکوکاران در جنگ، و با فاسقان همراه باشند.»

(نهج البلاغه، نامه ۶۲)

مهم ترین دغدغه ای که امام علیه السلام به مصریان گوش زد می کند آن است که مراقب باشند مبدا حکومت و قدرت از میان اهل فقاقت، عدالت و کفایت رخت برینند.

امام علیه السلام در ادامه به آسیب شناسی این امر می پردازد و آثار ویرانگر حکومت شیطانی دین ستیزان یادین گریزان را برمی شمرد:

چپاول اموال الهی؛ بردگی بندگان الهی؛ ستیزه جویی با ابرار الهی و دل جویی از دشمنان الهی....

برای مثال موضوع ارتقای کمی و کیفی انسجام جامعه ولایای خود می تواند یکی از عوامل غیبت را که در لسان روایات، عدم امنیت جانی برای امام منتظر و امکان کشتن او معرفی شده است، کاهش دهد و گامی بنیادین برای رفع یا کاهش موانع ظهور تلقی گردد.

به نظر می رسد حتی برخی از دانش مندان غربی نیز پذیرش مرجعیت فقها (به عنوان نواب امام عصر علیه السلام) را در نزد مردم، عاملی زمینه ساز قلمداد کرده باشند. برای مثال ماریبن، محقق آلمانی در این باره می نویسد: از جمله مسائل اجتماعی که همیشه می تواند موجب امیدواری و رستگاری شیعه باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است... شیعیان مجتهدان را نواب عام حجت عصر می دانند. بر دانش مندان اجتماعی روشن است که اگر چنین عقیده ای در میان فرد فرد ملتی گسترش یافته و رسوخ کند، ناچار روزی اسباب طبیعی برای آنان فراهم خواهد آمد! یأس و حرمان عامل هرگونه نکبت و ذلت، ولی ضد آن پشت گرمی و امیدواری و قوت قلب از روی اعتقاد است که مایه فلاح و نجات می گردد. (در انتظار ققنوس، ص ۳۰۰)

از این رو، پذیرش مرجعیت فقها و عالمان دینی و تحقق جامعه ولایای هر چند بدون حکومت ولایای می تواند گامی لازم و آغازین برای زمینه سازی ظهور قلمداد شود.

..... آسیب شناسی جامعه ولایای

اگرچه فرهنگ ولایای در جامعه ولایای مورد پذیرش واقع می گردد؛ اما بزرگ ترین ضعفی که چنین جامعه ای با آن دست و پنجه نرم می کند، فقدان حکومت ولایای و وجود طاغوت در رأس قدرت است. این ضعف زمانی موجب گزش و تورم بیشتر اذهان می شود که بدانیم از منظر قرآن، افراد جامعه ای که تحت سیطره و سلطه طاغوت هستند، بردگان و بندگان طاغوت قلمداد می شوند.

قرآن کریم در داستان برخورد موسی و فرعون، جابرانه فرمان راندن فرعون بر بنی اسرائیل را «بنده گرفتن» می خواند و از زبان موسی در جواب فرعون می گوید: «تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعراء: ۲۲)؛ یعنی تو بنی اسرائیل را بنده خود ساخته ای و آن گاه بر من منت می نهی که هنگامی که در خانه تو بودم چنین و چنان شد! بدیهی است که بنی اسرائیل نه فرعون را پرستش می کردند و نه بردگان فرعون بودند، بلکه صرفاً تحت سیطره طاغوتی و ظالمانه فرعون قرار داشتند که در جای دیگر، قرآن از زبان فرعون نقل می کند: قَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ؛ یعنی خویشاوندان موسی و هارون (بنی اسرائیل) بندگان ما هستند. در واقع آن چه سبب شده بود فرعون، مردم زمانه خود را بنده خود بخواند، حاکمیت و سیطره او بر زمام امور کشور بود که مردم نیز ناچار به تبعیت از این ولایت شیطانی بودند. از این قراین به دست می آید که هر طاعتی نوعی عبادت محسوب می شود و اگر این طاعت در پرتو اراده الهی و حکومت ولایای صورت پذیرد، مردم آن جامعه بندگان خدا و اگر طاعت در حکومت طاغوتی رخ نماید، بردگی و بندگی طاغوت و ابلیس امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. در حقیقت اگر جامعه ای نتواند سیطره طاغوتی حاکمان خود را کنار زند، خواهی یا نخواهی به بندگی طاغوت کشیده خواهد شد. تنها درمان برون رفت از این مصیبت بزرگ اجتماعی، قیام و خیزش همگانی برای سرنگونی نظام طاغوتی و برپایی حکومت ولایای است.

به عبارت دیگر هر ملتی به تحقق جامعه ولایای نباید بسنده کند، بلکه تمام توان خود را در برپایی حکومت ولایای باید به کار گیرد و به تعبیر قرآن کریم دو به دو یا نفر به نفر برای تحقق اراده الهی در ملک او قیام کنند.

(أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفُرْدِي)؛ سبأ: ۴۶



تاریخ اسلام به خوبی به یاد دارد که وقتی پس از سقیفه حکومت و قدرت از مدار ولایت فاصله گرفت و نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با دوری از چشمه قرآن و عترت رو به خشکی نهاد و حکم و حکومت بر اساس اجتهاد و بدعت پایه ریزی شد، چگونه تاریخ اشک ریخت و از سینه های آن خون چکید. امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه اوضاع اسف بار این برهه را چنین به تصویر می کشد:

«به خدا سوگند که در آن روزها مردم دچار خبط و خطا، چموشی و سرکشی، دورویی و نفاق و در نهایت در جازدن و عرض پیمایی (به جای طول پیمایی و طی مسیر) شدند و من در این زمان دراز در گرداب محنت شکیبایی می ورزیدم.» (خطبه سوم)

بنابراین، عقل و نقل تلاش مجاهدانه یک ملت را برای دفع یا رفع تسلط و حکومت طاغوتی و شیطانی و استقرار حکومت ولایی امری لازم و حیاتی می داند و با توجه به قراین دیگر نظیر احادیث «حوادث واقعه»، «مقبوله عمر بن حنظله» و «مجارى الامور» می توان گفت که مهم ترین و بارزترین مصداق عهد میان امام زمان علیه السلام و مردم، قیام و مجاهدت آنان برای تحقق حکومتی ولایی است که می تواند در دو حوزه نرم افزاری و سخت افزاری زمینه های ظهور مهدی علیه السلام را فراهم نماید؛ چراکه اگر ملتی بتواند طاغوت و امام جائز زمان خود را در هم بشکند، دست به بزرگ ترین جهاد زده و با برداشتن این منکر بزرگ یا بزرگ ترین منکر راه را برای بت شکنی های دیگر فراهم می کند.

هم چنین این مهم می تواند با ترویج و توسعه تفکر زوال پذیری طواغیت در میان جهانیان، زمینه های فکری و عملی ظهور منجی را تسریع بخشد. در اندیشه بزرگانی چون امام خمینی علیه السلام می توان تبلور این معنا را به خوبی لمس نمود. او اصلاح و گسترش روحیه خداجویی و عدالت محوری را از یک سو و طاغوت ستیزی و به چالش کشاندن استکبار جهانی را از سوی دیگر، مهم ترین کارکرد حکومت ولایی می شمارد و اجتماع و تلاش مردم را برای تحقق این امر ضروری و واجب می داند.

«حکومت ولایی» قادر است با ابزار قدرت و سازوکارهای موجود، فرد و جامعه را به سوی آینده ای روشن نوید دهد و در راستای بسترسازی ظهور گام های بلندی بردارد. این بسترسازی های می تواند در دو حوزه نقش آفریند:

..... یک. حیث نرم افزاری

از عوامل زمینه ساز ظهور ایجاد بیداری عمومی و ارتقای سطح معرفتی افراد است. این که امام زمان علیه السلام در کلامی خطاب به محمد بن علی بن هلال کرخی از عدم بینش و بصیرت در برخی از محبان و شیعیان ابراز ناراحتی می کند: «ای محمد بن علی، افرادی احمق و جاهل از شیعیان و گروهی که مذهبشان به اندازه بال مگسی ارزش ندارد خاطر من آزرده اند!» (الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹)

می تواند در بر دارنده این پیام باشد که یکی از وظایف منتظران حضرت، افزایش بعد معرفتی و دین شناختی آنهاست.

از این رو هرچه سازوکارهای توسعه و تعمیق معرفت و عقلانیت در جوامع بیشتر باشد، نرخ رشد توسعه و تعمیق افزون تر و در نتیجه زمینه ها برای پذیرش و گرایش به منجی سریع تر فراهم می گردد. در مقابل، حکومت های طاغوتی که ولایت شیطانی دارند، سازوکارها و امکانات حکومتی را در راستای گمراهی و ابهام زایی و در نتیجه زمینه سوزی ظهور به کار می بندند. امام علی علیه السلام موارد و شگردهای معاویه را برای رسیدن به قدرت و انحراف شامیان، سانسور خبری معاویه و تلاش او برای انحراف افکار عمومی از حق و اهل آن برمی شمارد و نتیجه این امر را نیز هلاکت جاهلان و بی خبران به دست خود ذکر می کند.

..... دو. حیث سخت افزاری

حکومت ولایی می تواند از حیث سخت افزاری نیز مقدمات ظهور را فراهم کند؛ چرا که بر اساس آموزه های قرآن به ویژه آیه ۶۰ سوره انفال؛ جامعه و حکومت ولایی موظف است تمام توان خود را در تجهیز و تقویت امکانات و آلات نظامی و دفاعی به کار گیرد تا با قدرت بازدارندگی بالا، تهدیدات و تعرضات احتمالی دشمنان را دفع کند.

از سوی دیگر در روایات اسلامی سخن از آن است که در زمان غیبت علاوه بر آمادگی فکری، آمادگی فیزیکی و دفاعی نیز امری بایسته و شایسته است. برای مثال در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «لَیَعِدَنَّ أَحَدُكُمْ لِحُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا؛ مؤمن این آمادگی را در خود ایجاد نماید، ولو با ذخیره یک تیر.» (الغیبة نعمانی، ص ۳۲۰) بنابر این دست از روایات، ایجاد چنین سازوکارهایی حتی به اندازه یک تیر می تواند به نوعی در تعجیل امر فرج نقش بیافریند.

این موضوع می تواند بیان گر نقش عظیم حکومت ولایی در زمینه سازی ظهور باشد؛ چراکه حکومت ولایی نه با یک تیر و هزار تیر، بلکه با یک کشور به همراه تمامی امکانات آن در خدمت مهدی موعود بوده و پایگاهی مهم را برای یاری او فراهم خواهد نمود. بی تردید ایجاد این پایگاه انسانی و دفاعی، منتظران و زمینه سازان ظهور را در سراسر جهان، امیدوارتر و استوارتر و دشمنان و زمینه سوزان ظهور را مأیوس تر و متزلزل تر خواهد کرد.



وظایف ما در زمان غیبت

منبر مکتوب از حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی

برای شنیدن منبر صوتی
می توانید کد را اسکن کنید



عمده بحث در رابطه با وظایفی است که در زمان غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه داریم قبل از اینکه این وظایف را عرض کنیم این را بگوییم که داستان حضرت به بلندای تاریخ اسلام؛ بلکه قبل از تاریخ اسلام است، هر چند که حضرت متولد اواسط قرن سوم هستند؛ اما باید مطالب مربوط به آن حضرت را از زمان بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جستجو کرد. شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج رفت، وقتی که نور حضرت را آنجا ملاحظه کرد فرمود: «طوبی لمن احبه» خوشا بحال کسی که این مهدی رو قبول دارد و دوست دارد.

أَصْبَحَ بَنُ بَنَاتِهِ؛ میگوید رفتم خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام، نشسته بود روی زمین، فرمود: «شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ؛ چه قدر به دیدار او مشتاقم!» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵، ذیل روایت ۱۳). این مسأله ندبه و گریه بر حضرت در صبح های جمعه این سابقه اش به قبل از تولد حضرت برمی گردد.

راوی می گوید یک روز خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم رو به قبله نشسته بود، مثل باران اشک می ریخت، می فرمود: «سَيِّدِي غَيْبَتُكَ نَفَتْ رُقَادِي؛ آقای من غیبت شما خواب را از چشمان ما برده» (اثبات الهداة، ج ۵، ص ۹۰) هنوز سال ها با تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه فاصله هست.

شما می دانید کتاب هایی قبل از تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه در موردش نوشته شده؛ حسن بن محبوب در زمان امام رضا علیه السلام است، ولی در مورد حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه کتاب دارند، صحیح مسلم و بخاری قبل از تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه یک باب هایی مختص به امام دارند.

بحث ظهور حجت عجل الله تعالی فرجه جزء مسلمات اسلام است و غیر قابل انکار و حتی ابن تیمیه که از مخالفان سرسخت شیعه هست و با ارزش های شیعه مخالف است، روایت های مربوط به ایشان در «منهاج السنة» آورده است. شافعی گنجی یک کتاب دارد بنام «البيان في اخبار صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه»، تازه در مقدمه کتاب هم می گوید من این کتاب را عاری از روایات شیعه نوشتم، یک روایت از شیعه در این کتاب نقل نکرده. دعبل خزاعی وقتی پیش امام رضا علیه السلام بلند شد، شعر خواند و گفت، یک امامی هم یک روزی می آید که به اسم الله قیام می کند، امام رضا علیه السلام فرمود: دعبل روح القدس این شعر رو به زبانت انداخت. البته یک نقطه اختلاف بین ما و اهل سنت در مورد تولد امام وجود دارد، و الا مسأله آمدن حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و آمدنش و قیام جهانی حضرت از متواترات روایات و اخبار است که صدها نقل وجود داره و همه ائمه علیهم السلام در مورد ایشان صحبت کردند، ما کمتر مسأله ای را داریم که همه ائمه علیهم السلام راجع به آن صحبت کرده باشند.

ابا خالد کابلی می گوید وقتی رسیدم خدمت امام سجاد علیه السلام و بحث شد در مورد امامت تا اینکه رسید به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه، امام سجاد علیه السلام فرمودند: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ...» ابا خالد کسانی در زمان غیبت حضرت حجت هستند از مردمان زمان گذشته بالاتر هستند - چون زمان های دیگر امام را درک کردند، ولی این ها ندیدند و قبول دارند.

(کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۰، باب ۳۱)
ما باید احساس حضور کنیم، ما منتظر ظهوریم نه منتظر حضور، امام ظاهر نیست ولی حاضر هست، خیلی چیزهاست که ظاهر نیست ولی حاضر؛ مثل جاذبه و... ما باید احساس حضور داشته باشیم، باید بدانیم که در هر جلسه ای ممکن است حضرت حضور داشته باشد، باید بدانیم که امام بر اعمال ما نظارت دارد.

پسر مهزیار می گوید:

اینقدر اشک ریختم تا بالاخره در یکی از سفرها در مکه معظمه، کسی آمد بالا سرم. گفت چی می خواهی این همه گریه می کنی؟ گفتم «ارید الامام المحجوب عن العالم» من به دنبال آن امام پنهانم. می گوید، ناراحت شد. گفت چرا می گویی پنهان؟ «ما هو المحجوب عن العالم و لكن حجبهُ سوء اعمالكم» او غایب نیست او حاضر است، اما اعمال بد شما مانع دیدار شده است. می گوید، به ایشان گفتم حالا هرچه، من تو را پیدا کردم تا من را پیش آقا نبری رهایت نمی کنم. تعریف می کند من را آورد در یک بیابانی درون یک خیمه ای خدمت آقا و مولایم. یک وقت عقده دلم وا شد گفتم یا بن الحسن خیلی دنبالت گشتم خیلی صدایت زدم، آقا فرمود می دانی چرا؟

چون شما به ضعفای نمی رسید؛ شما به هم رحم نمی کنید؛ شما در اموالتان دقت نمی کنید، پسر مهزیار شما اگر در این مسائل دقت کنید اینقدر دیدار ما به تاخیر نمی افتد.

نامه ای که امام زمان عجل الله تعالی فرجه به شیخ مفید رحمته الله نوشتند؛ در آن نامه امام، شیخ را برادر خطاب می کند بعد می فرماید: وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاءَنَا. وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ. عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا: اگر شیعیان ما قلبهاشان با همدیگر بود و وفای به عهد و پیمان می کردند اینقدر دیدار ما به تاخیر نمی افتاد (جسم ها را زود می شود بهم نزدیک کرد؛ مثلا با یک شام دادن ولی قلب ها را خیر). میگویند منافق سه علامت دارد:

- حرف می زند، دروغ می گوید؛
- عهد می بندد و وفا نمی کند؛
- در امانت خیانت می کند.

بالاترین امانت امام هست: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. ابا بصیر می گوید، آمدم خدمت امام صادق علیه السلام، حضرت فرمود اگر یک روز صبح از خواب بیدار شوی و بگویند امامت غیبت کرده چکار می کنی؟ گفتم آقا تا بحال فکرش را نکردم. فرمود: هر چه وقتی من هستم انجام می دهی، وقتی نیستم هم انجام بده.... امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: قنوت های نمازهای روز جمعه را اختصاص به حضرت حجت قرار بدهید. فرمود برای او دعا کنید. چندین روایت از ائمه در این رابطه وجود دارد.

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب بحار الأنوار نقل می کند که یک آقای بود بنام زمیله که مریض شده بود، چند روزی نتوانست به مسجد برود و نماز بخواند. می گوید یک روز جمعه ای بلند شدم غسل جمعه کردم و آمدم برای نماز جمعه، چون مریض بودم و با زحمت هم آمده بودم بعد از نماز حضرت کنار من آمدند و فرمودند: حالت چطور هست؟ گفتم: آقا بیمارم چند روز در بستر افتادم، امروز هم با زحمت آمدم، آقا فرمودند تو فکر می کنی، وقتی بیمار شدی، ما با خبر نشدیم؟ ما شیعیانمان بیمار بشوند ناراحت می شویم، از دنیا بروند ناراحت می شویم، خوشحال شوند خوشحال می شویم، گناه و معصیتی بکنند ناراحت می شویم، هیچ چیزی از کارها و مسائل شما از ما مخفی نیست، این خیلی مهم است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود در سه وقت اعمال شما را نزد ما می آورند: فَتُعْرَضُ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ عَشِيَّةَ الْإِثْنَيْنِ وَ الْخَمِيسِ (شامگاه دو شنبه و پنج شنبه) و اول هر ماه و نیمه شعبان هر سال. انسان باید این احساس را داشته باشد که امام معصوم حضور دارد گرچه ظاهر نیست. اگر انسان این احتمال رو بدهد، بیشتر حواسش به اعمالش هست.

مار و احمق

حرف از روح خردمند منست با کجوانند

شاخصه‌های یاران امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ

بر اساس آیات و روایات

حجت الاسلام رضا اخوی؛ برگرفته از کتاب آفتاب ولایت، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

وَكَايُنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَيْبُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ (سوره آل عمران، آیات ۱۴۶ و ۱۴۷)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الاهی فراوانی به همراهشان نبرد کردند و از هر رنجی که در راه خدا دیدند، نه سستی ورزیدند و نه ضعف و زبونی نشان دادند و خداوند، شکیبایان را دوست می‌دارد. سخنشان فقط این بود که پروردگارا! گناهان ما را ببخش و از تندروی‌های ما در کارها در گذر! گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر جمعیت کافران پیروز کن!

واژه «رَبَّيُونٌ» در این دو آیه‌ی شریف به مردمی خداپرست اشاره دارد که مخلصانه در رکاب پیامبران با کافران و مشرکان جنگیدند. به گفته روایات، یاوران راستین امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام ارواحنا فداه نیز مصداق تام «رَبَّيُونٌ كَثِيرٌ» بوده، دارای ویژگی‌های خاص ایشان هستند. در این دو آیه‌ی شریفه، ویژگی‌های اساسی «رَبَّيُونٌ» بیان شده است؛ ابتدا درباره‌ی هریک از این ویژگی‌ها توضیحی مختصر ارائه کرده و سپس برخی از ویژگی‌های یاران حضرت را از منظر سخنان معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام به تماشای نشینیم.

یک. قدرت والای روحی

میدان جنگ، عرصه جنگیدن، کشتن و کشته شدن است. خداوند متعال، جنگاوران مجاهدی را می‌ستاید که به عشق خدا و رسول او، خالصانه در میدان‌های طاقت‌فرسای جنگ استقامت ورزیدند و لحظه‌ای ضعف از خود نشان ندادند. فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا...؛ از هر صدمه‌ای که در راه خدا دیدند، نه سستی ورزیدند و نه ضعف و زبونی نشان دادند. (سوره آل عمران، آیه ۱۴۶)

دو. بردباری

دلبرمردانی که در این آیه، مورد ستایش خداوند قرار می‌گیرند، مجاهدانی خستگی‌ناپذیرند که به سبب بردباری فوق‌العاده‌شان، محبوب ذات اقدس الاهی شده‌اند... وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛ و خداوند، چنین صبرکنندگانی را دوست می‌دارد. (سوره آل عمران، آیه ۱۴۶)

سه. طلب آموزش، استقامت و یاری

چنین مجاهدان راستینی در کشاکش مصیبت‌های جنگ و رنج‌های جنگاوری، زبان حال و قالشان، چیزی جز طلب آموزش، عذرخواهی و طلب استقامت و یاری از پروردگارشان نیست: وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا؛ سخنشان جز این نبود که پروردگارا! گناهان ما را ببخش و از تندروی‌های ما در کارها در گذر. (سوره آل عمران، آیه ۱۴۷)

چهار. رابطه عاشقانه با پروردگار

آیات متعددی در قرآن داریم که بنا بر روایات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در شأن گروهی از شیعیان علوی نازل شده است که در آخرالزمان پدیدار خواهند شد. یکی از این آیات شریف که بر «رَبَّيُونٌ كَثِيرٌ» نیز تطبیق می‌شود، این آیه نورانی است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ (سوره مائده، آیه ۵۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرکس از شما که از آیین خود بازگردد، [بداند که] خداوند به زودی، قومی را برمی‌انگیزاند که ایشان را بسیار دوست می‌دارد و آن‌ها نیز خداوند را دوست می‌دارند و در برابر مؤمنان سرفرازان و فروتن و در مقابل کافران سرفراز و مقتدرند.

لحن آیه‌ی پیشین، رنج و ناراحتی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان راستین از سست عنصری و دم‌دمی مزاجی افراد ضعیف‌الایمان را نشان می‌دهد؛ ناراحتی و نگرانی از عقب‌گرد و بازگشت مسلمانان سست‌ایمان به حلقه کافران. این آیه‌ی نورانی دربردارنده بشارتی شورانگیز به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان راستین است که هرگز نیندازید قوام دین خدا فقط به عده‌ای تازه مسلمانان ضعیف است که اگر به کفر و شرک بازگردند، اسلام و افتخارهای آن از بین می‌رود. اگر عده‌ای از اسلام روی گردانیدند و به کفر بازگشتند، هرگز اندوهی به خویش راه ندهید؛ چرا که خداوند، در آینده، مؤمنانی را برخواهد انگیزد که نخستین صفت و مدال افتخارشان این است که محبوب خداوندگار، و محب اویند.

پنج. فروتنی در برابر مؤمنان و گردن‌فرازی در مقابل کافران

علامت این عشق پاک طرفینی، دو صفت همراه با هم است: اذلة على المؤمنين و اعدة على الكافرين؛ در برابر مؤمنان متواضع و فروتن‌اند و در مقابل کافران گردن‌فراز و مقتدر. (مانده، آیه ۵۴)

در مقابل اهل ایمان، چنان تواضع دارند که گویا بنده ایشانند. در برابر مؤمنان به هیچ وجه انانیت و خودبینی ندارند؛ به طوری که گویا خود ایشانند. همینان که در برابر مؤمنان، چنین خاکی و متواضعند، در مقابل کافران، سرسخت و عزتمندند. ایشان در مقابل گردن‌کشان چنان در اوج عزت و قدرت و گردن‌فرازی‌اند که گویا آنان را هرگز به شمار نمی‌آورند.

نش. نهراسیدن از سرزنش‌ها

نشانه دیگر این مردان الهی این است که در جهاد فی سبیل الله، از هیچ سرزنشی نمی‌هراسند؛ بجاهدُونَ فی سبیل الله و لایخافُونَ لومة لائم؛ آن‌ها در راه خدا مجاهده می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری‌هراسی ندارند. (مانده، آیه ۵۴)

مجاهده‌ی فرهنگی این رادمردان، زبان ملامت‌گران را ضدشان می‌گشاید؛ ولی آن‌ها هیچ باکی ندارند. اگر بنا بود، در مجاهدت‌های الهی ملامتی در کار نباشد، این آیه برای چه بود؟! شیعیانی مخلص همچون میثم تمارها، عمروبن حمدها، حجر بن عدی‌ها و ابوذرها تبعید شدند؛ زندانی و شکنجه شدند، و بدن‌هایشان را بر دار ننگه داشتند؛ اما لحظه‌ای از ولایت علی (ع) و ستایش او دست برنداشتند تا آن‌که زبانشان را بریدند؛ شکمشان را دریدند و عاقبت به شهادت رسیدند.

اگر ما نیز بخواهیم در شمار شیعیان واقعی امام زمانمان باشیم، باید خود را آماده کنیم و در راه انجام وظیفه و اظهار حق، از هیچ چیزی، حتی از سرزنش دوستان نیز نهراسیم.

برخی دیگر از ویژگی‌های یاران حضرت

اینک با نگاهی به آیات و روایات، به صورت گذرا، چند شاخصه‌ی مهم یاوران حضرت را مرور می‌کنیم.

یک. خداباوری حقیقی: اساسی‌ترین ویژگی یاران امام مهدی (عج)، معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «مردان با ایمانی که خدا را آن‌چنان که شایسته است، شناخته‌اند و آنان یاوران مهدی (عج) در آخرالزمان‌اند.» (بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹)

دو. پرتلاش و مطیع: یاران امام، به مولای خود عشق می‌ورزند و چون بنده‌ای گوش به فرمان آن حضرت هستند و برای خدمتگزاری حضرتش لحظه شماری می‌کنند. پیامبر اکرم (ص) در وصف آنان فرمود:

«كِدَادُونَ مُجِدُّونَ فِي طَاعَتِهِ»؛ زحمت‌کش و کوشا در پیروی از اویند. (بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۴۳)

سه. خوبان اهل عبادت: از برترین و ضروری‌ترین شاخصه‌های یاری امام زمان (عج)، گره زدن دل و جان به بندگی پروردگار و عبادت‌ها و داشتن خلوت‌هایی است که لیاقت انسان برای یآوری منجی موعود را افزایش می‌دهد و او را در زمره خوبان و صالحان قرار می‌دهد.

چهار. شجاع و غیور: اگر جهاد و مبارزه، جهانی و فراگیر است؛ پس یاران ایشان هم باید شجاعت و جسارتی در خور و عزم‌هایی پولادین داشته باشند؛ چرا که بدون آن، قدم‌های یاری حرکت نخواهد داشت.

امام علی (ع) در وصف شجاعت آن‌ها می‌فرماید: «همه شیرانی‌اند که از پیشه‌های خود خارج شده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا برمی‌کنند.» (یوم الخلاص، ص ۲۲۴)

پنج. در آرزوی شهادت: تلاش همه جانبه

برای انجام تکلیف و وظیفه، منتظران را لایق دریافت خلعت شهادت خواهد کرد؛

از این رو منتظران با تمام وجود برای جلب رضایت حضرتش تلاش می‌کنند، بلکه توفیق شهادت نصیبشان گردد و همشینی با خوبان برگزیده پروردگار، رزق همیشگی آنان گردد. امام صادق (ع) در توصیف ایشان فرمودند:

كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ ... يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ يَتَمَنُونَ أَنْ يَقْتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ...؛

گویا دل‌هایشان نور باران است... برای شهادت دعا می‌کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند.

(بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸)

در آیات و روایات اگر چه از صفت‌هایی به عنوان ویژگی‌های یاران حضرت یاد شده است؛ اما بدون تردید، یکی از پیام‌های این روایات، برشمردن شرایط آرمانی یک منتظر است.

اهدافی که یک منتظر واقعی باید برای خود ترسیم کند و تمام توان خود را در راه رسیدن به آن‌ها به کار بندد و اوج‌هایی که یک شیعه در تمام قرن‌ها و عصرها بدان‌ها چشم دوخته، خود را در مسیر دست‌یافتن بدان‌ها قرار دهد.

فراموش نکنیم که کار خداوند از روی حکمت و حساب است. هر زمان که رابطه ما با خداوند، چه در مسائل فردی و چه در امور اجتماعی، به ضعف و کاستی بگراید، مدد رسانی الهی نیز به ما کاستی می‌گیرد و هرگاه که به خود متکی شویم، به خود واگذار خواهیم شد.



برای دریافت فایل بروشور محتوا
کد بالا را اسکن کنید



مهدویت از دیدگاه مرحوم آیت الله العظمی بهجت

● «تا رابطه ما با ولیّ امر - امام زمان عجل الله تعالی فرجه - قوی نشود کار ما درست نخواهد شد.»

● لازم نیست انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه تشریف حاصل کند بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز سپس توسل به ائمه بهتر از تشرّف باشد. زیرا هر کجا که باشیم آن حضرت می بیند و می شنود و عبادت در زمان غیبت افضل از عبادت در زمان حضور است. زیارت هر کدام از ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه مانند زیارت خود حضرت حجت است.

● پس در فتنه های آخرالزمان که مانند پاره های شب تاریک است، شایسته است احتیاط و توقف نمودن تا راه حق روشن شود و همگان توان احتیاط را دارند و آن سلاح عمده اهل ایمان است. و تنها کسی نجات می یابد که در ایمان خود استوار بوده، برای تعجیل فرج دعا کند و در اعتقاد به تمام عقاید حق ملتزم و استوار باشد.



گزیده بیانات آیت الله جوادی آملی باموضوع مهدویت و انتظار

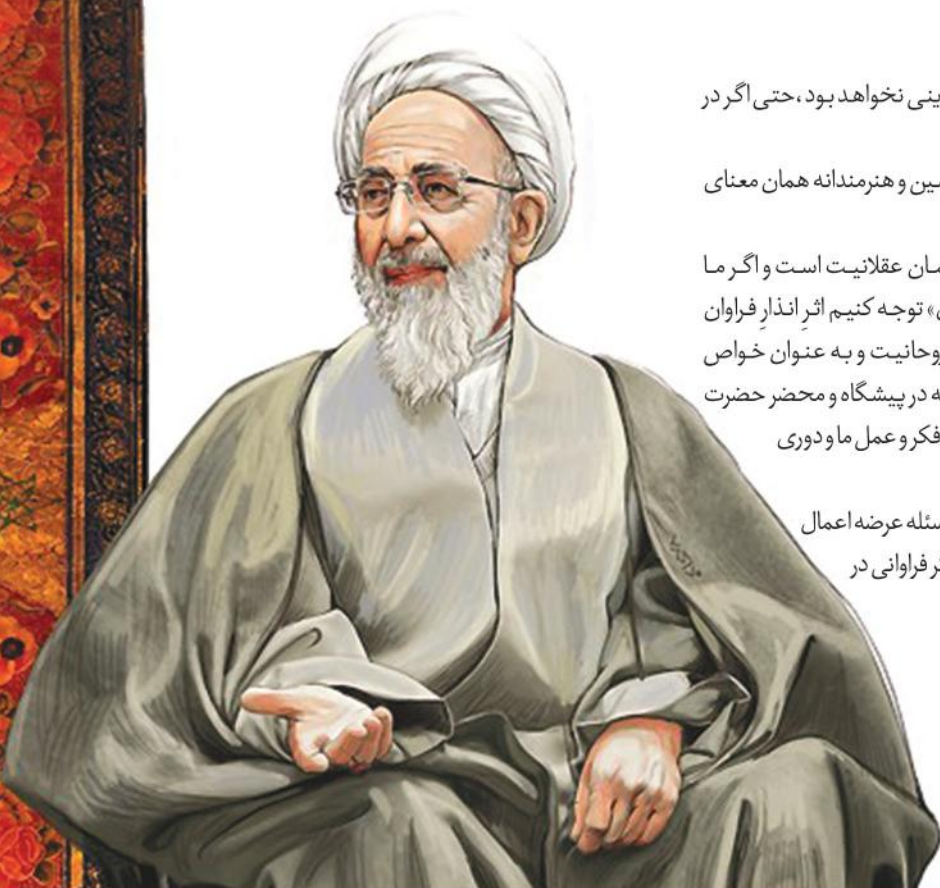
● نشانه واقعی انتظار عقلانیت است.

● هنرمندی که دغدغه دین ندارد، هنرش هرگز دینی نخواهد بود، حتی اگر در مورد دین کار هنری انجام دهد.

● ارائه مطالب اعتقادی و دینی با بیانی زیبا و دلنشین و هنرمندانه همان معنای «خوب حرف زدن» و «حرف خوب زدن» است.

● شناخت امامت یک ضرورت است و تجلی همان عقلانیت است و اگر ما بتوانیم در فهم و درک بیشتر مسئله «عرضه اعمال» توجه کنیم اثر انذار فراوان برای خود ما دارد بخصوص آنهایی که در لباس روحانیت و به عنوان خواص جامعه مشغول فعالیت هستند باید خود را هر لحظه در پیشگاه و محضر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه ببینند و درک این حالت باعث سلامت فکر و عمل ما و دوری از انحراف و اشتباه در این مسیر می شود.

● هرکس که معتقد به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشد مسئله عرضه اعمال ما به محضر آن حضرت به واقع بدنش را می لرزاند و اثر فراوانی در تزکیه روحی شخص و جامعه دارد.



طول عمر

سید محمد حسین حسینی، مجله مبلغان مرداد و شهریور

پرسی که از دیرباز درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در ذهن‌ها مطرح بوده، و در این زمان نیز گاهی رخ می‌نماید، مسئله طولانی بودن عمر حضرت و راز آن است. آیا ممکن است او این همه عمر (۱۱۸۹ - ۲۵۵ = ۱۴۴۴) کند، در حالی که معمولاً سن انسان‌ها از یکصد الی یکصد و بیست سال تجاوز نمی‌کند؟! این عمر طولانی با توجه به حداکثر عمرهایی که در اطراف خود می‌بینیم چگونه سازگار است؟ آیا این امر در راستای قوانین طبیعی عالم است یا جنبه غیبی و اعجازی دارد؟ آیا امکان دارد از نظر ظاهری فردی در عالم این همه عمر طولانی داشته باشد، در عین حال هنگام ظهور در سن پیران اما با چهره جوان شاداب و باطراوت باقی بماند؟ برای دریافت پاسخ سؤالات پیش گفته، توجه به چند نکته و اصل کلی لازم و ضروری می‌نماید:

یک. حد عمر طبیعی

باید دید آیا عمر موجودات زنده در طبیعت مانند عمر فرآورده‌های صنعتی می‌باشد که عمر محدودی دارد؟ مثلاً یک انسان به طور متوسط ۸۰ سال، یک کبوتر ۵ سال، یک حشره چند ماه، یک درخت چنار ۱۵۰ سال، و یک بوته گل ۶ ماه عمر می‌کند؟

در گذشته گروهی از دانشمندان عقیده به وجود یک سیستم عمر طبیعی در موجودات زنده داشتند ولی این عقیده از طرف فیزیولوژیست‌های امروز در هم شکسته شده و مسئله حد ثابت در عمر طبیعی ابطال گردیده است.

به گفته پروفیسور اسمیس، استاد دانشگاه کلمبیا همان گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته شده و وسایل نقلیه ای با سرعتی ما فوق صوت به وجود آمده، یک روز دیوار سن انسان نیز شکسته خواهد شد، و از آنچه تا کنون دیده‌ایم فراتر خواهد رفت. بنا بر این برای مدت زندگانی انسان، حدی که تجاوز از آن محال باشد معین نشده است.

پس از نظر علمی ممکن است بر اثر مراقبت‌های ویژه، انسانی دارای عمر طولانی و دراز باشد.

دو. تأخیر پیری و ازدیاد عمر

اگر پیری را یک نوع بیماری و عارض بر حیات بدانیم و یا آن را قانون طبیعی بشناسیم که بر بافت و اندام موجودات زنده، از درون، عامل نیستی را به مرور زمان فراهم می‌کند و موجود زنده را خواه ناخواه به مرحله فرسودگی و مرگ می‌رساند، باز معنایش آن نیست که این پدیده قابل انعطاف پذیری و در نتیجه تأخیر نباشد. گروهی از پزشکان عقیده دارند که پیری یک نوع بیماری است که بر اثر «تصلب شرایین» و یا «اختلال متابولیسم» بدن انسان پدید می‌آید، و اگر ما بتوانیم از طریق تغذیه صحیح و داروهای مؤثر بر این عوامل پیروز شویم، جلو پیری را گرفته و از عمر طولانی برخوردار می‌گردیم. روانشناسان نیز می‌گویند: طول عمر انسان بستگی زیادی به طرز تفکر و عقاید او دارد و با داشتن یک سلسله روحيات و عقائد سازنده و آرامش بخش، طول عمر انسان قابل افزایش است.

در مجموع می‌توان گفت: دانش بشری در زمینه عقب انداختن پیری و طولانی نمودن عمر، موفقیت‌هایی به دست آورده و از رابطه تغذیه و پیری تجربه‌های جدیدی کشف کرده و ارتباط تنگاتنگی بین اسرار تغذیه در مقابله با پیری و فرسودگی ارائه داده است.

با توجه به آنچه گفته شد، در مورد عمر طولانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از نظر علمی و نظری امکان دارد (فقط در حد امکان می‌گوییم) که آن حضرت با دانش خدادادی که بر اسرار خوراکی‌ها دارد، و با استفاده از روش‌های علمی و طبیعی بتواند مدتی طولانی در این دنیا زندگی کند و آثار فرسودگی و پیری در وی پدیدار نگردد، و همچنان شاداب و جوان بماند.

سه. وجود افراد استثنائی

وجود استثناها در هر امری، از جمله امور طبیعی این عالم، مسئله‌ای است واضح و انکار ناپذیر. گیاهان و درختان و جاندارانی که در دامن طبیعت پرورده می‌شوند و از سابقه کهن و زیستی طولانی برخوردارند، کم نیستند. به این نمونه‌ها توجه کنید:

جهانگردانی که از اسکاتلند دیدن کرده‌اند می‌گویند، درختی در آنجاست که قطر تنه آن ۹۰ پاست و میزان عمر آن را پنج هزار سال تخمین زده‌اند. در جزایر کاناری درختی از نوع عندهم یا به تعبیر ما «خون سیاوش» توجه دانشمندان را به خود جلب کرده که از زمان کشف این جزیره (حدود پانصد سال پیش) تا کنون هیچگونه تغییری در آن مشاهده نشده است. و در مناطق استوایی زمین، درختانی وجود دارند که مرتب ریشه و جوانه می‌زنند و هیچگاه عمرشان به پایان نمی‌رسد.

همین طور در عالم حیوانات حلزون‌هایی با عمر چند هزار سال دیده شده و ماهی‌هایی کشف کرده‌اند که عمر آنها را به سه میلیون سال تخمین زده‌اند.

با توجه به نمونه‌های پیش گفته، چه استبعادی دارد که در عالم انسانی هم، برای نگهداری یک انسان و حجت خدا، به عنوان ذخیره و پشتوانه اجرای عدالت و نفی و طرد ظلم و ظالمان، قائل به استثنا شویم و او را موجودی فراتر از عوامل طبیعی و اسباب و علل ظاهری بدانیم که قوانین طبیعت در برابرش رام و انعطاف پذیری دارند و او بر آنها تفوق و برتری دارد. این امری است ممکن، گر چه عادی و معمولی نباشد. علامه طباطبائی در این باره می‌گوید: «نوع زندگی امام غائب را به طریق خرق عادت [می‌توان پذیرفت] البته خرق عادت، غیر از محال است و از راه علم، هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند، تنها همان‌ها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم و یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم یا نفهمیده‌ایم وجود ندارد. از این رو ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید.»

چهار. نمونه‌های تاریخی

از دیدگاه تاریخی «معمربین» و افراد دارای طول عمر، فراوان یافت می‌شوند که هر یک چند برابر افراد معمولی زمان خویش عمر کرده‌اند و حتی نمونه‌هایی داریم که بیش از حضرت زنده بوده‌اند و هنوز هم زنده‌اند. اینک به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

الف) حضرت مسیح علیه السلام: یهودیان با همکاری برخی از مسیحیان خیانت کار، تصمیم به قتل حضرت مسیح گرفتند، خداوند نقشه آنها را نقش بر آب کرد و پیامبر را از چنگال آنها رهایی بخشید و به آسمان برد. قرآن کریم در دو آیه به صراحت می‌گوید، مسیح کشته نشد، بلکه زنده است و خداوند او را به سوی آسمان برد و هنوز هم زنده است. او در آخر الزمان بعد از ظهور امام زمان علیه السلام از آسمان نازل شده، پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند.

ب) حضرت خضر علیه السلام: قرآن صریحاً از حضرت خضر علیه السلام نام نبرده، ولی از او به عنوان بنده‌ای از بندگان خدا که به او علم فراوان (علم لدنی) داده شده یاد شده است. نام اصلی او «بلیا بن ملک» بوده و خضر لقب اوست. از منابع اسلامی استفاده می‌شود که او برای اجرای مأموریت در عالم تکوین و باطن هستی از یک عمر طولانی برخوردار است. چنانکه پیامبران مأمور پیاده کردن نظام تشریح و قوانین الهی هستند، گروهی از فرشتگان و برخی از انسانها (همچون خضر) مأمور پیاده کردن نظام تکوین و رسیدگی به مشکلات مردم می‌باشند. و گاه مأموریت‌هایی از طرف حضرت حجت علیه السلام نیز دارند.

ج) عده‌ای از معمرین: در تاریخ از عده‌ای از معمرین اسم برده شده است، از جمله: آدم علیه السلام (۹۳۰ سال)، ادریس علیه السلام (۳۰۰ سال)، نوح علیه السلام (۹۵۰ سال)، ابراهیم علیه السلام (۱۹۵ سال) و ...

اگر چه ممکن است برخی از این اعداد و ارقام، غیر معتبر بوده و خالی از مبالغه نباشد، لکن این مسئله در کتب بسیاری از تاریخ نگاران آمده است. ضمن اینکه مسئله طول عمر نوح نبی علیه السلام یک مسئله قرآنی است و اگر ما عمر ۲۵۰۰ ساله نوح را که برخی مورخین نقل کرده‌اند نپذیریم، عمر ۹۵۰ ساله آن پیامبر که در قرآن کریم آمده غیر قابل انکار است؛ در آنجا که می‌فرماید: «و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم پس نهصد و پنجاه سال در میانشان درنگ کرد [ولی بیشتر مردم به او ایمان نیاوردند]، سرانجام توفان آنان را در حالی که ستمکار بودند، فراگرفت» (عنکبوت: ۱۴)

پنج. قدرت الهی و عنایت غیبی

از همه آنچه که گفتیم بگذریم، اگر از زاویه ایمان به غیب و اعجاز به این پدیده بنگریم، پاسخ همه اعتراضها و شبهه‌ها داده می‌شود و نیازی به ارائه شواهد طبیعی و تاریخی نیست. به قول فلاسفه «لا مؤثر فی الوجود إلا الله؛ تأثیر گذاری [مستقل در علل و عوامل طبیعی] جز خدا نیست» همه قدرت‌ها دست اوست و اگر بخواهد «شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد»، آن گاه چگونه از حفاظت آخرین ذخیره آفرینش و امید تمام هستی و بشریت، ناتوان و عاجز است؟

السَّالِمَاتُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الْمَسْكُونِينَ
لَا بُرْتُوَى فَرَادِرَ فَرَادِ خَوَانِ



شیخ طوسی رحمته الله در این باره می‌گوید: «بر اساس آیه شریفه: **يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ**; خدا هر چه را بخواهد محو می‌کند و هر چه را بخواهد ثابت و پابرجا می‌نماید، و **أُمُّ الْكِتَابِ** نزد اوست» (رعد: ۳۹). هر آنی که مصلحت در تأخیر، تا زمان دیگر باشد، تداوم عمر آن حضرت ضرورت می‌یابد و این امر، تا آخرین زمان لازم ادامه دارد و رمز آن به دست کسی است که مفاتیح غیب و ام **الکتاب** در نزد اوست.»

(کتاب الغیبه؛ تحقیق شیخ عباد الله تهرانی و احمد ناصح، ص ۴۲۸)

این از قدرت الهی است که درباره حضرت یونس علیه السلام هنگامی که در شکم ماهی قرار داشت می‌فرماید:

«و اگر او از تسبیح گوینان نمی‌بود حتما در شکم ماهی تاروی که خلق مبعوث شوند باقی می‌ماند.» (صافات: ۱۴۳ و ۱۴۴)

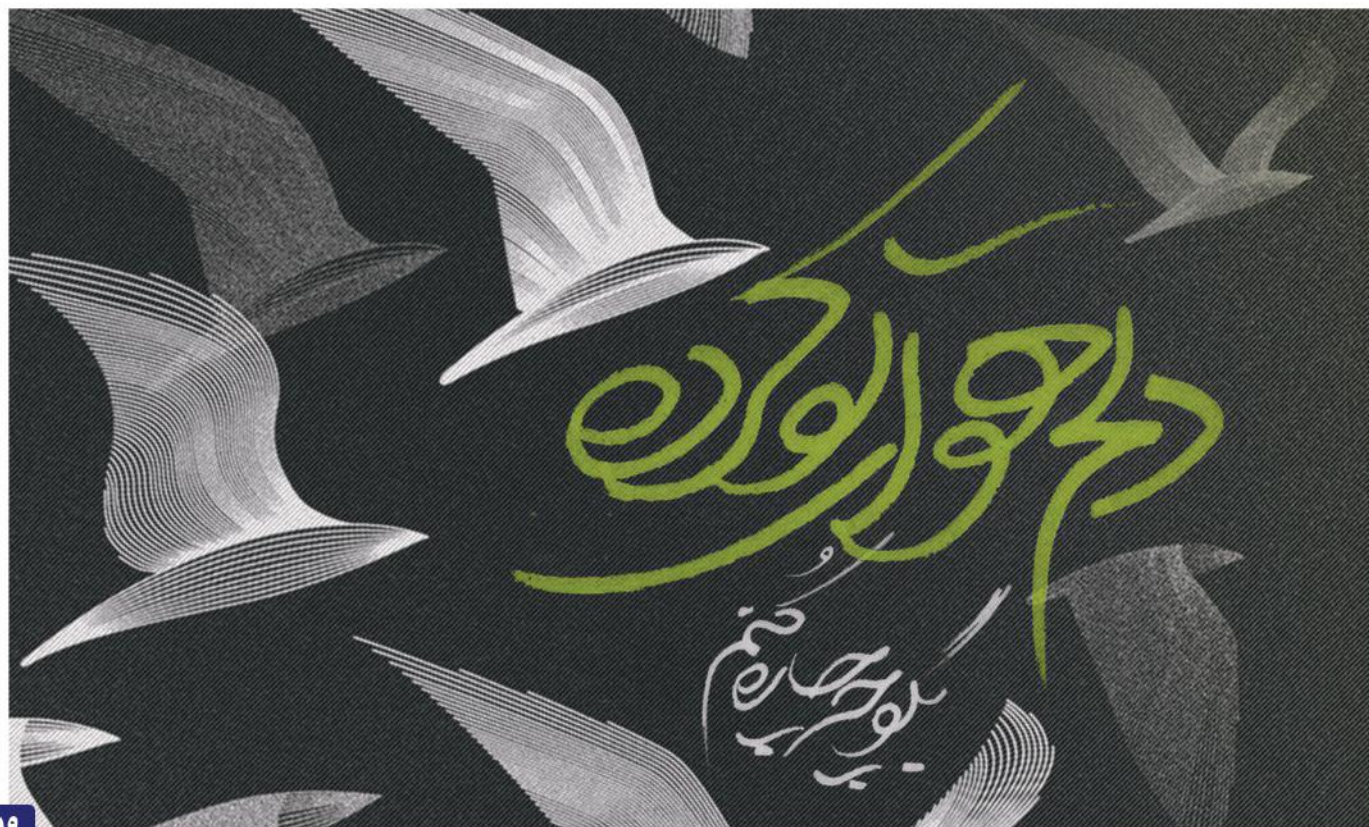
لذا می‌تواند بر اساس قدرت بی‌نهایت و مشیت مطلقه‌اش، مقدمات و عوامل زنده ماندن امام زمان علیه السلام در این عالم را بر اساس قانون «اعجاز» آماده سازد و او را تاروز معین و معلومی نگه دارد.

قانون معجزه، حاکم بر قوانین طبیعی در این عالم است و نمونه‌های فراوانی در امت‌های پیشین و نسبت به پیامبران گذشته دارد، از جمله: سرد و سلامت شدن آتش بر حضرت ابراهیم علیه السلام، شکافته شدن دریا برای موسی علیه السلام، و ازدها شدن عصا (یک قطعه چوب بی ارزش چوپانی) و ید بیضا، و همین طور در مورد حضرت عیسی علیه السلام که بیماران غیر قابل علاج را شفا می‌دهد، و مردگان را زنده می‌کند، و آن‌گاه که رومیان قصد جان او می‌کنند، کار بر آنها مشتبه شده می‌پندارند که وی را دستگیر کرده‌اند و حال آنکه چنان نبوده است. و همین طور معجزات بی‌شماری که در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، مانند: شق القمر، سجده کردن سنگ ریزه در دست حضرت، گذشتن از حلقه محاصره قریشیان بدون آنکه او را دیده باشند و صدها معجزه دیگر.

هر یک از موارد فوق نقض قانون عقلی و منطقی نیست، بلکه نقض یک حالت و جریان طبیعی است که با قدرت مافوق الهی رخ داده است. پاسداری از حجت خدا، مهدی صاحب زمان علیه السلام و عمر طولانی او از مصادیق همین اصل کلی و از معجزات بزرگ الهی است که هر متدین و مسلمانی به سادگی می‌تواند آن را باور کند.

شش. نامعلوم بودن ماهیت حیات

طول عمر، از شاخه‌های مسئله عمومی تری به نام «حیات» است. حقیقت و ماهیت حیات، هنوز بر بشر مجهول و نامعلوم است، و شاید بشر هیچ‌گاه هم از این راز سر در نیاورد. بشری که این اندازه ناتوان است و موضوع حیات را درست نمی‌شناسد و از ویژگی‌های آن آگاهی کامل و همه‌جانبه ندارد، چگونه می‌خواهد مسئله طول عمر و استبعاد آن را مطرح سازد و به دیده تردید به آن بنگرد؟ و طول عمر حجت الهی را زیر سؤال ببرد؟ بنابراین طول عمر حضرت مهدی علیه السلام هیچ استبعادی ندارد، چون چنین عمری هم امکان علمی دارد، و هم دلایل طبیعی و تاریخی وقوع آن را تأیید می‌کند، و هم می‌تواند از مصادیق بزرگ اعجاز الهی به شمار رود.



راهکارهای حفظ دین در آخرالزمان



برای دریافت بروشور
مقاله کد را اسکن کنید.

راهکار اول: معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام صادق علیه السلام برای یافتن معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، این دعا را به «زُراه» که از خواص شاگردان حضرت بود آموخت تا شیعیان در زمان غیبت و امتحان، آن را بخوانند:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّتْ عَنْ دِينِي؛

خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من نشناسانی فرستاده‌ات را نشناخته‌ام، خدایا فرستاده‌ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده‌ات را به من نشناسانی حجتت را نشناخته‌ام، خدایا حجتت را به من بشناسان، زیرا اگر حجتت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.

راهکار دوم: بصیرت و کیاست

دوران آخرالزمان، دوران فتنه‌ها و آشوب‌هاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی چنین فرمودند:

زمانی بر مردم می‌آید که دل مؤمن در نهادش آب می‌شود، همان طور که سرب در آتش آب می‌شود و نیست سبب آن، مگر اینکه فتنه‌ها و بدعت‌هایی را که در دین آنها ظاهر گشته مشاهده می‌کند و توانایی تغییر و برطرف ساختن آنها را ندارد.

امام صادق علیه السلام نیز پیرامون این دوران فرمودند:

همانا برای صاحب این امر، غیبتی است؛ کسی که در عصر غیبت به دینش پایبند بماند، مانند کسی است که دست خود را از بالای شاخه درخت قتاد (درخت بزرگی که خارهایش مثل سوزن است)، به طرف پایین آن می‌کشد تا خارهایش بریزد. سپس با دستش به آن اشاره کرد...

فتنه‌های آخرالزمان چنان حق و باطل را ممزوج خواهند کرد که تنها کسانی می‌توانند از آنها به سلامت عبور کنند که دارای بصیرت و ژرف بینی باشند. در ادبیات دینی «بصیرت» به معنای بینش، فهم عمیق، درک قلبی و آگاهی است. بصیرت، روشنایی و نور خاصی است که در نتیجه‌ی اعمال صالح و تقوای الهی به بندگان خدا داده می‌شود تا همچون چراغی، تاریکی‌ها و ظلمات را برایشان روشن نماید و با شناخت حق و باطل و درک دقیق امور، او را از فروافتادن در دام لغزش‌ها حفظ نماید.

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های فرستادگان خود را داشتن بینش صحیح از رفتارها و کردارها دانسته، و جامعه اسلامی و پیروان دین را نیازمند این ویژگی معرفی کرده، می‌فرماید:

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدادعوت می‌کنیم.

امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه ۱۵۱ هنگام ترسیم فضای فتنه خیز و ظلمت‌برانگیز جامعه، که در آن رشته دین گسسته می‌شود و پایه باورها و اندیشه‌ها متزلزل می‌گردند و مردم بر اثر آمیختگی رأی درست و نادرست، راه گمراهی در پیش می‌گیرند، از گروهی نام می‌برند که می‌تواند از تاریکنای شبهه‌آفرین و ضلالت گستر فتنه بگیرد و اینان زیرکان و هوشیارانند:

«تَهْرَبُ مِنْهَا الْأَكْيَاسُ».

بر مبنای آنچه گفته شد، منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، در گام دوم حراست از ایمان و معنویت خویش، باید دو نوع بصیرت داشته باشند: اول: در پرتو ایمان و معنویت، به درک صحیح از اوضاع و شرایط زمانه برسند و اسیر امواج فتنه‌ها و بادهای مسموم شبهات و هجمه‌ها نسبت به این باور نگردند؛ دوم: یقین داشته باشند که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، همواره ناظر بر اعمال و رفتار ایشان است و دست یاری حضرت، بر سر ایشان خواهد بود. بنابراین، بصیرت در آخرالزمان، یعنی گم نکردن یار غائب و گم نشدن در جذابیت‌های بی‌شمار فضا‌های حقیقی و مجازی.



راهکار سوم: تمسک به سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت

در آموزه‌های روایی، اهل بیت علیهم‌السلام به یک کشتی تشبیه شده‌اند که هرکس با آنان همراه شد، از فتنه‌ها و شروری که دامنگیر حیات معنوی و خطرآفرین برای دین و ایمان مؤمنان است، نجات یافت. قرآن کریم درباره نوح علیه‌السلام و یاران مؤمنش فرمود: ما او و اصحاب کشتی راهایی بخشیدیم. و سنت الهی بر آن است که کسانی که سوار کشتی مورد تأیید الهی شوند، نجات خواهند یافت. و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صراحت فرمودند: مثل اهل بیت من در میان شما مانند کشتی حضرت نوح است، هر کس به این کشتی داخل شود نجات می‌یابد، و هر کس سوار نشود و از آن دوری و تخلف ورزد، غرق و نابود می‌گردد.

راهکار چهارم: کسب مهارت تقوا

از مهارت‌های لازم برای حفظ ایمان منتظران، مهارت خویشنداری و کنترل خواسته‌ها است؛ اینکه به هر خواهش نفسانی پاسخ مثبت ندهد و از سوی دیگر، با تمرین و تلقین، عمل به دستورات دینی و انجام واجبات را برای خود امری لازم و حتمی بدانند. از این رو افراد متقی و کسانی که اهل دقت و توجه در مسائل معنوی هستند، به شدت مراقب رفتارها و گفتارهای خود هستند و از هرگونه گفتار یا حرکتی که بوی عقب ماندگی معنوی و سقوط در سراسیمگی گناه از آن به مشام برسد، پرهیز می‌نمایند و با احساس حضور شیطان، فوراً از آن مکان حقیقی یا مجازی فاصله می‌گیرند، همانگونه که خداوند در سوره اعراف، آیه ۲۰۱ می‌فرماید: کسانی که پرهیزگاری می‌کنند چون از شیطان و سوسه‌ای به آنها برسد، خدا را یاد می‌کنند، زیرا مردمی صاحب بصیرتند. به همین جهت، امام صادق علیه‌السلام وظیفه منتظران را چنین ذکر کردند: برای صاحب این امر غیبتی است و بنده بایستی تقوای الهی پیشه سازد و متمسک به دینش باشد.

راهکار پنجم: استقامت و ثبات قدم

برای حفظ تدین و دستیابی به معنویت، استقامت و ثبات قدم، یکی از رزم و رازهای اصلی است. با تنبلی در کسب معنویات و سرعت عمل در ورود به مسائل بیهوده، نمی‌توان خود را منتظر حقیقی دانست. منتظر راستین، باید بر باورها و اعتقادات خود محکم و استوار بایستد و در مقابل کنایه‌ها، تهدیدها، تمسخرها و کم‌لطفی‌ها استقامت ورزد و ایمان خود را فدای خوشحالی یا رضایت دیگران ننماید. امام سجاد علیه‌السلام در این رابطه می‌فرماید: «هرکس در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما پابرجا و استوار باشد، خداوند مژگان به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد عنایت می‌فرماید.»

راهکار ششم: صبر و پایداری

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «پس از شما کسانی بیایند که یک نفر از ایشان پاداش پنجاه نفر از شما را داشته باشد. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! مادر جنگ بدر و احد و حنین با تو بودیم و درباره ما آیه نازل شده است؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: اگر آنچه [از حوادث ایام] به ایشان می‌رسد، به شما رسد، صبر آنان را ندراید.» امام حسین علیه‌السلام نیز فرمود: برای او [مهدی] غیبتی است که اقوامی در آن از دین خارج شوند و گروهی بر دین ثابت قدم بمانند و آزار و اذیت می‌کشند و به آن‌ها گفته می‌شود: این وعده [ظهور] چه وقت عملی می‌شود، اگر راست می‌گویید؟ بی‌تردید صبر کننده در زمان غیبت در برابر آزار و تکذیب [مخالفان]، به منزله جهادکننده با شمشیر در رکاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.»

راهکار هفتم: تولی و تبری

این دستور به قدری مهم است که در آیات قرآن به عنوان نشانه ایمان، و در روایات اسلامی به عنوان «محکم‌ترین دستگیره ایمان» معرفی شده و تا «تولی» و «تبری» نباشد، بقیه اعمال (عبادات و اطاعات، احسان و انفاقات) بی‌حاصل و غیرمقبول شمرده شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک کند، در حالی که پیش از ظهورش پیرو او بوده، دوستانش را دوست و از دشمنانش بیزار می‌می‌جسته و امامان پیش از او را سرپرستان خود می‌شناخته است. آنان رفقا، دوستان و بزرگوارترین امتم برای من هستند.

راهکار هشتم: دعا

در روایات معصومین علیهم‌السلام، دعا برای فرج امام زمان عجل‌الله‌فرجه، به عنوان یکی از عوامل نجات انسان‌ها در دوران غیبت مطرح شده است. امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمود: به خدا سوگند که او غیبتی [سخت] می‌کند. در آن غیبت، از هلاکت نجات نمی‌یابد مگر کسی که خدای عزوجل او را در عصر غیبت بر دعای به تعجیل فرج او موفق بدارد.

گام نهم: اقامه نماز

در قرآن، روایات و سخنان بزرگان دین، نماز، اساس دینداری شمرده شده است، از این رو نماز همانند سر برای بدنه ایمان ذکر شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «بیشترین همت و قصدت نماز باشد، زیرا نماز پس از اقرار به دین، رأس اسلام است» نکته دیگر اینکه، اقامه نماز، باعث دوری شیطان از انسان می‌گردد. امام زمان عجل‌الله‌فرجه به شیعیان و منتظران چنین سفارش فرمودند: «بهترین چیز برای به خاک مالیدن بینی شیطان، نماز است، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.»

گام دهم: پیروی از علمای دین

با آغاز «غیبت کبرا» هدایت شیعیان با عنوان «نیابت عام» از طرف حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه شکل گرفت؛ به این صورت که امام، ضابطه‌ای کلی و صفات و مشخصاتی عام به دست داد که در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه از هر جهت و در همه‌ی ابعاد بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود و به نیابت از او در امر دین و دنیا، سرپرست جامعه باشد، سخنش سخن امام و اطاعتش واجب و مخالفتش حرام خواهد بود.... به عبارت دیگر، همان‌طور که مردم موظفند در همه امور خویش به امامان معصوم علیهم‌السلام مراجعه کنند، در زمان غیبت نیز وظیفه دارند به فقها مراجعه کنند، چرا که ولایت فقها، در راستای ولایت ائمه علیهم‌السلام است.



علی ربانی گلپایگانی، استاد حوزه علمیه قم

آثار تکوینی و تشریحی امام زمان علی‌السلام در عصر غیبت

الف) آثار تکوینی امام غایب

مقصود آثار وجودی امام معصوم علیه السلام در قلمرو عالم آفرینش به طور عام و عالم طبیعت به صورت خاص است.

نقش تکوینی امام در نظام آفرینش که در روایات مطرح شده است، «امان بودن» امام برای عالم می باشد؛ چنان که امام عصر علیه السلام در توقیع خود به اسحاق بن یعقوب، پس از بیان این که مردم از وجود او در دوران غیبت همان گونه بهره مند می شوند، که از خورشید در پس ابرها؛ فرموده است: «من برای اهل زمین امان هستم؛ همان گونه که ستارگان برای اهل آسمان امان می باشند».

(کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵)

۱. نقش فاعلی امام در جهان

بر اساس روایات، مقام و مرتبه وجودی اهل بیت پیامبر علیهم السلام، پس از مقام و مرتبه وجودی آن حضرت است و بر دیگر اولیای الهی برتری دارد. آنان وسایط رسیدن فیض وجود و کمالات وجودی به دیگر موجودات، حتی انبیاء و اولیای خداوند می باشند.

اعتقاد به غیبت دوازدهمین و آخرین جانشین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوای امت اسلامی؛ یعنی حضرت حجت ابن الحسن العسکری علیه السلام، یکی از باورهای قطعی شیعیان اثناعشری است. پشتوانه این اعتقاد، روایات بسیاری است که از امامان در این باره آمده است. از سوی دیگر، وجود امام، مصداق و مظهر کامل لطف الهی، حافظ و مجری احکام شریعت، مقتدای امت و فلسفه آفرینش است. چه بسا برای کسانی این دو باور مذهبی ناسازگار بنماید و این پرسش مطرح شود که امامی که در پس پرده غیبت به سر می برد، چگونه می تواند همچون امام حاضر، اهداف امامت را جامه عمل بپوشاند و به فلسفه امامت عینیت بخشد؟

این پرسش، در عصر حضور امامان معصوم علیهم السلام و حتی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح بوده و در پاسخی کلی که به آن داده شده، امام غایب به «خورشید پشت ابر» تشبیه شده است؛ بدان معنا که گرچه موجودات زمینی و از جمله انسان، به طور کامل آن را ملاحظه نمی کنند؛ اما از آن محروم نیستند و بهره های وافری از آن می برند. در روایتی از جابر بن عبدالله انصاری آمده است:

فردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: آیا شیعه در زمان غیبت قائم علیه السلام، از او بهره می برد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری؛ سوگند به آن که مرا به پیامبری برگزیده است، از او بهره می برند. همان گونه که مردم از خورشید پشت ابر بهره مند می شوند، شیعیان نیز از نور ولایت امام غایب علیه السلام بهره مند می گردند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۵-۹۳)

در توقیعی که از ناحیه مقدسه به دست محمد بن عثمان (دومین نایب خاص امام عصر علیه السلام) برای اسحاق بن یعقوب صادر شده، آمده است: «وجه انتفاع به من در دوره غیبتم، مانند انتفاع به خورشید است، هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان کردند». (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲)

از آن جا که فلسفه امامت و آثار وجودی و هدایتی امام معصوم علیه السلام به دو قلمرو «تکوین» و «تشریح» مربوط می شود، در این نوشتار به بررسی و تبیین آثار تکوینی و تشریحی امام غایب علیه السلام می پردازیم:

در عبارتی از زیارت جامعه کبیره که به گفته علامه مجلسی، صحیح‌ترین زیارت‌ها از حیث سند و فصیح‌ترین آن‌ها از جهت لفظ و بلیغ‌ترین آن‌ها از نظر معناست، آمده است:

«خداوند به واسطه شما [اهل بیت علیهم‌السلام] جهان را آغاز کرد و به واسطه شما پایان می‌دهد و به واسطه شما باران نازل می‌کند و آسمان را بر فراز زمین نگاه می‌دارد، مگر آن‌گاه که مشیت الهی به فروپاشیدن نظام تعلق گیرد و به واسطه شما ناگواری‌های روحی و جسمی را برطرف می‌سازد».

روشن است که موارد یادشده، از باب ذکر نمونه است و خصوصیتی ندارد.

بنابراین، حوادث و رخدادهایی مانند وزش باد، پیدایش ابر، نزول برف، رویش گیاه، میوه دادن درختان و دیگر رخدادهای طبیعی، به واسطه اهل بیت معصوم رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (و به طریق اولی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تحقق می‌یابند. جمله «بکم یمسک السماء أن تقع علی الارض»، بیانگر نقش فاعلی اهل بیت علیهم‌السلام در «کلیت» نظام خلقت است، و جمله‌های «و بکم ينزل الغيث و بکم ينفس الهم و بکم يكشف الضر»، گویای نقش فاعلی آنان در حوادث «جزئی» عالم می‌باشد.

قرآن کریم، تصریح کرده است که فرشتگان مدیران امور عالم می‌باشند: «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا». از آن جا که «سببیت» فرشتگان در مرتبه‌ای بالاتر از اسباب طبیعی و در طول آن‌ها می‌باشد؛ با نظام سببی و مسببی عالم طبیعت منافات ندارد. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و اهل بیت خاص آن حضرت نیز در مرتبه‌ای بالاتر از اسباب طبیعی و فراطبیعی، در برقراری نظم عالم و رخدادهای آن، نقش سببی و فاعلی دارند و سببیت و فاعلیت آنان، با سببیت و فاعلیت اسباب طبیعی و فراطبیعی منافات ندارد؛ چنان‌که سببیت همه این اسباب به اذن و مشیت و حول و قوه خداوند است: «قل كل من عند الله»، و همه اسباب، اعم از طبیعی و فراطبیعی، جنود پروردگار یکتا می‌باشند: «وَمَا يَلْمُ جُنُودَ رَبِّكَ الْاَهُو».

۲. نقش غایی امام علیه‌السلام در جهان

انسان موجودی است که کمالات موجودات مادون خود (حیوان، نبات و جماد) را داراست و علاوه بر آن، از کمالات انسانی برخوردار است. این کمالات با دو معیار «ایمان» و «عمل صالح» مشخص می‌شود. ایمان و عمل صالح، صفات الهی را در انسان متجلی می‌سازد و کامل‌ترین انسان، کسی است که در این زمینه بر دیگران برتری داشته باشد. او پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و پس از او، خاندان معصوم وی قرار دارند و پس از آنان، پیامبران الهی و جانشینان آنان می‌باشند.

در روایات نیز تصریح و تأکید شده است که زمین، هیچ‌گاه از حجت خداوند خالی نخواهد بود و اگر امام، لحظه‌ای از زمین برداشته شود، زمین مانند دریایی که با امواجش اهلش را فرو می‌برد، ساکنانش را فرو خواهد برد. نبود امام، حتی برای یک لحظه، در صورتی باعث نابودی ساکنان زمین خواهد شد که وجود امام که انسان کامل است، علت غایی آن باشد؛ چون وجود معلول، بدون وجود علت غایی، حتی در یک لحظه نیز محال است؛ اما اگر تنها فلسفه وجود امام، هدایت مردم در مسائل و مصالح دنیایی و دینی آنان باشد، نبود امام در یک لحظه، چنان پیامدی نخواهد داشت. توضیح اینکه زمین و آنچه در آن است، به سبب امام آفریده شده است و هرگاه چیزی برای چیز دیگری آفریده شده باشد، چنانچه موجود دیگر (غایت) وجود نداشته باشد، شیء اول هم وجود نخواهد داشت.

ب) آثار تشریحی امام غایب

مقصود از «آثار تشریحی امام در عصر غیبت»، آثار وجودی آن حضرت در ارتباط با شریعت اسلام و هدایت رهبری امت اسلامی، به‌ویژه شیعیان و معتقدان به امامت ایشان است. این آثار عبارتند از:

۱. لطف امامت

وجود امام مصداق و مظهر «لطف» خداوند نسبت به مکلّفان است. بدیهی است، تحقق کامل لطف امامت، درگرو آن است که امام، در میان مردم به صورت عادی زندگی کند؛ مردم بتوانند او را مشاهده و به طور عادی با او ارتباط برقرار کنند و نیز امام از اقتدار سیاسی لازم برخوردار باشد و زمام رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی در دست او باشد. تحقق این مطلب، بدون اطاعت و مساعدت مردم ممکن نخواهد بود. تفاوت امام دوازدهم با امامان دیگر در این است که چون ایشان آخرین پیشوای الهی است و از طرفی، حضور او به صورت عادی در میان مردم با قیام علیه ستمگران و تبهکاران همراه است و بر پایی حکومت عدل جهانی مأموریت ویژه اوست؛ از طرفی، تحقق مأموریت

مزبور، دارای شرایط ویژه‌ای در مقیاس جهانی است که تاکنون تحقق نیافته است. بدین دلیل غیبت برای آن حضرت امری ضروری است. از این رو، امکان بهره‌گیری هدایتی و معنوی از وجود امام عصر علیه‌السلام نسبت به امامان دیگر کم‌تر است؛ با این حال، لطف بودن وجود امام به کلی منتفی نیست؛ زیرا اولاً، همان‌گونه که در روایات بیان شده است، امام به صورت ناشناس در مناطق مختلف و در میان مردم حضور می‌یابد و از نزدیک، گفتار و رفتار آنان را مشاهده می‌کند. بدیهی است این حقیقت برای کسانی که به این مقوله ایمان دارند، نقش برانگیزندگی نسبت به اجرای تکالیف الهی، و نقش پرهیزدهندگی و برحذر داشتن از معصیت را دارد.

ثانیاً، امام که مورد لطف و عنایت ویژه خداوند است، از علم گسترده‌ای نسبت به حقایق و حوادث عالم، به‌ویژه به افعال و احوال مکلّفان برخوردار است و اعمال آنان در هر شب و روز به امام عرضه می‌شود.

(اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۱)

۲. حفظ شریعت

یکی از دلایل عقلی ضرورت وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، وجوب «حفظ شریعت» است.

بر اساس برهان‌های ضرورت نبوت و شریعت، بشر همواره به شریعت آسمانی نیاز داشته و خواهد داشت. شریعت مورد نیاز بشر از زمان بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا قیامت همانا «شریعت اسلام» است. بنابراین، حفظ آن لازم و ضروری خواهد بود. حفظ شریعت اسلام به طور کامل، در گرو آن است که حافظ آن از ویژگی عصمت علمی و عملی برخوردار باشد و این مطلب، جز با وجود پیشوایی معصوم در میان بشر تحقق نخواهد یافت.

(بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۴-۳۲۴)

ج) هدایت باطنی

هدایت‌گری تشریحی امام دارای دو جلوه «ظاهری» و «باطنی» است. جلوه ظاهری آن، تبیین معارف و احکام شریعت و جلوه باطنی آن، تصرف تکوینی در قلب‌های مستعد و رساندن آنان به منزل مقصود است. هدایت‌گری ظاهری و باطنی امام را می‌توان با هدایت‌گری ظاهری و باطنی قرآن کریم مقایسه کرد؛ هدایت ظاهری قرآن، عمومی و همگانی است: «هُدًى لِّلنَّاسِ»؛ ولی هدایت باطنی آن به پرهیزکاران اختصاص دارد: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» و هر دو هدایت، تجلی هدایت خداوند است؛ هدایت ظاهری و بیرونی امام، همگانی است؛ ولی هدایت باطنی امام ویژه کسانی است که به امام ایمان آورده و تسلیم او می‌باشند. امام باقر علیه السلام درباره هدایت درونی امام فرموده است:

«نور امام در قلب‌ها، روشنایی بخش‌تر از نور خورشید تابناک در روز است.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۰)

نور خورشید، جسمانی است و نور امام، روحانی. به همان میزان که وجود روحانی بر وجود جسمانی برتری دارد، نور امام نیز بر نور خورشید برتری دارد. همه دل‌ها از نور روحانی امام بهره‌مند نیستند، بلکه دل‌هایی از نور امام برخوردار می‌شوند که حجاب‌ها را بر طرف می‌سازند.

نخستین و ضخیم‌ترین این حجاب‌ها، حجاب «عداوت» است. محبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، اساسی‌ترین شرط برخورداری از هدایت درونی امام است؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام در ادامه فرمود:

«سوگند به خداوند، امامان، دل‌های مومنان را روشن می‌سازند و خداوند، نور آنان را از هر کس که بخواهد باز می‌گیرد؛ در نتیجه قلوب آنان تاریک می‌شود. سوگند به خدا، هیچ کس محبت و ولایت ما را بر نمی‌گزیند، مگر این‌که خداوند قلب او را پاکیزه سازد و خداوند، قلب کسی را پاکیزه نمی‌سازد، مگر این‌که او تسلیم ما شود و با ما به روش مسالمت‌آمیز رفتار کند.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۰)

د) رهبری با واسطه

جلوه‌ای دیگر از هدایت و رهبری فکری و معنوی شیعه توسط امام زمان علیه السلام در عصر غیبت؛ رهبری امت از طریق عالمان و مجتهدان وارسته شیعه است. عالمان پرهیزکار شیعه، به نیابت از امام عصر علیه السلام به پاسخگویی مسایل عقیدتی و شرعی شیعیان می‌پردازند و راه دیانت و معنویت را به آنان نشان می‌دهند. این روش، به عصر غیبت اختصاص ندارد؛ امامان دیگر در عصر حضور نیز شیعیان را به رجوع به عالمان مورد وثوق خود تشویق و توصیه می‌کردند.

ه) عنایت‌های ویژه

علاوه بر آثار تکوینی و تشریحی وجود امام عصر علیه السلام در دوران غیبت کبرا، افرادی در شرایطی ویژه، از عنایت‌های معنوی و مادی امام علیه السلام بهره‌مند شده و خواهند شد. این بهره‌مندی‌های خاص، گونه‌های متفاوتی دارد؛ گاهی در ارتباط با کشف حقایق از اسرار عالم یا حل مسئله یا مشکلی در زمینه معارف و احکام الهی است که انسان‌هایی برجسته، مانند شیخ مفید، مقدس اردبیلی و سید بحر العلوم از آن بهره‌مند گردیده‌اند و گاهی از امور مادی، جسمانی و مربوط به زندگی دنیوی است، مانند شفای بیماری جسمانی، یافتن راه، نجات از خطرهای ناشی از راهزنان یا دزدگان.

بدیهی است، این‌گونه عنایت‌های مادی و معنوی از سوی امام نسبت به مؤمنان، به حضور امام و وجود رابطه عادی میان مؤمنان و امام منوط نمی‌باشد؛ زیرا همگی از مقوله تصرفات تکوینی یا تشریحی امام است که دارای دو شرط فاعلی و قابلی است. شرط فاعلی آن، به امام مربوط است که عبارت است از ظرفیت و کمال وجودی فوق‌العاده امام و شرط قابلی آن مربوط به افرادی است که این‌گونه عنایت‌های ویژه را از امام علیه السلام دریافت می‌کنند.

و) ارتباط از طریق دعا و زیارت

ارتباط از طریق دعا، دو سویه است: از یک سو، امام برای شیعیان دعا می‌کند، و از سوی دیگر، شیعیان برای امام دعا می‌کنند. دعای امام زمان علیه السلام در حق شیعیان بر آن مبناست که آن حضرت نسبت به سرنوشت شیعیان بی‌تفاوت نیست؛ بلکه هیچ‌گاه از مراعات حال شیعیان غافل نبوده و یادشان را فراموش نمی‌کند؛ زیرا اگر چنین بود، شاید و ناملایمات طاقت فرسا بر آنان وارد می‌شد و دشمنان آنان را ریشه‌کن می‌کردند.

دعای امام علیه السلام در حق شیعیان بر دو گونه «عام» و «خاص» است.

دعای عام، به سرنوشت عمومی مردم مربوط است و دعای خاص، به سرنوشت افرادی خاص؛ که شرایط برخورداری از آن را دارا هستند.

اما دعای شیعیان برای امام علیه السلام و زیارت آن حضرت، انواع بسیاری دارد و در کتاب‌های ادعیه و زیارات نقل شده است؛ مانند:

دعای سلامتی: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بَيْنِ الْحَسَنِ...»

دعای فرج: «الْهِيَ عَظَمَ الْبَلَاءِ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ...»

دعای عهد: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ...»

دعای پس از نماز صبح: «اللَّهُمَّ تَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ...»

زیارت آل یاسین و دعای پس از آن: «سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَاسِينَ...»

دعای ندبه:

زیارت امام علیه السلام در روزهای جمعه؛
و دعاها و زیارت‌های دیگر.

این دعاها و زیارت‌ها، بر معارف ناب و عالی در زمینه توحید، نبوت و امامت و معاد مشتمل است و در غنای معرفتی و رشد علمی و معنوی و تهذیب نفس و تکامل اخلاقی انسان نقش تعیین‌کننده و برجسته‌ای دارد.





چگونگی ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

بر گرفته از کتاب:

امام مهدی موجود موعود، آیت الله جوادی آملی، ص ۱۹۵ تا ۱۹۹



برای مطالعه این مقاله به صورت کامل
و دریافت فایل بروشور آن کدرا اسکن نمایید

ادعای بابیت و سفارت از ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آرزوی هر منتظر مشتاق و افتخار والای هر صاحب معرفتی است؛ اما این کالای ثمین به اقتضای قدر والای خود در کنار اولیای بی ادعایی که از خورشید آن کسب نور کرده‌اند، همواره به مدعیانی مبتلا بوده است که ادعای ارتباط با قلب عالم را وسیله نیل به اهداف روا یا ناروای خویش قرار داده و خواسته یا ناخواسته رهنز مؤمنان مشتاق اما ساده‌دلی شده‌اند که دائماً تشنه رسیدن خبری یا رؤیت اثری از جان جانان عالم‌اند.

دو واژه «بابیت» و «سفارت» درباره کسانی به کار می‌رود که مدعی رابطه با امام بوده و ادعای کنند که از امام دستورهایی به آنها رسیده است؛ یعنی به امام معصوم دسترسی یافته و آموزه‌هایی را از آن حضرت گرفته‌اند.

گفتنی است نیل به زیارت وجود مبارک امام که از آن به ملاقات تعبیر می‌شود، غیر از ادعای بابیت یا سفارت است. بی‌شک، ملاقات و زیارت آن حضرت امری محال نیست، همان‌گونه که برخی از انسان‌های صالح در عصر غیبت به این سعادت رسیده‌اند و نیز بهره‌برداری از هدایت باطنی آن حضرت نیز امری مسلم و مقبول است که همواره شایستگان از آن مستفید گشته‌اند.

تشرف بی‌واسطه و مستقیم به محضر نورانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف لیاقت و شایستگی‌هایی ویژه می‌خواهد، از این رو تنها اوحدی از موحدان به باریابی محضر مطهرش توفیق می‌یابند. هر خارق عادت یا کرامتی که به دست ناشناسی صورت می‌گیرد و فیضی از ناحیه او به دیگران می‌رساند، از سرچشمه فیاض امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جاری می‌گردد؛ اما چنین نیست که آن ناشناس لزوماً وجود مبارک ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد بلکه آن حضرت شاگردان صالحی دارد که به امر ایشان گره از کار فروبسته دیگران می‌گشایند و واسطه رسیدن فیض امام به آنان می‌شوند. آنچه برای همگان ضروری و میسر است، ایجاد و حفظ ارتباط روحی و معنوی با آن حضرت است که در پرتو رعایت ادب حضور و ارتباط با آن حضرت تحصیل خواهد شد.

آداب ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

الف) انجام اعمال مستحبی و نیک به نیابت از آن حضرت

انجام دادن مستحبات و اعمال صالح به نیابت از آن حضرت و اهدای ثواب آن به ارواح طیب عترت طاهره علیهم السلام از بهترین راه‌هایی است که می‌تواند ارتباط انسان با آن وجود مبارک را تأمین کند و بهترین حالت در چنین نیابتی، آن است که انسان در برابر عمل خویش از آن امام خواسته‌ای نداشته باشد، زیرا از قدر عملش می‌کاهد؛ چون خواسته ما به قدر ادراک ماست و ادراک ما بیشتر به حجاب تمنیات ما محجوب است، مطلوب متوقع ما نیز محدود خواهد بود. پس بهتر است که برابر این ادب، به پیشگاه آن حضرت چیز خاصی را پیشنهاد ندهیم. البته این سخن بدین معنی نیست که انسان اگر مشکل خاصی دارد، با امام خویش در میان نگذارد و از او نطلبد بلکه مقصود آن است که در انجام دادن اعمال صالح به نیابت از آن حضرت، طلبی نداشته باشد و پیشنهادی ندهد تا آنان در خور خویش عطا کنند؛ نه در اندازه مطلوب محدود ما.

ب) برخاستن به احترام نام آن حضرت

از دیگر آداب حسنه در ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ادب برخاستن به احترام نام مبارک ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در میان شیفتگان و پیروان خاندان عصمت علیهم السلام سنتی دیرپاست.

یگونی قیام...

همه می خواهند بدانند که در جریان قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه چه حوادثی روی می دهد، حرکت امام از کجا و چگونه آغاز می شود، شیوه برخورد امام با گروه های مخالف چگونه است و بالاخره چگونه آن حضرت بر تمامی جهان غلبه خواهد کرد و رشته امور جهان را به دست خواهد گرفت. این گونه سؤال ها فکر و اندیشه هر انسان مشتاق ظهور را به خود مشغول می کند. ولی واقعیت این است که سخن گفتن درباره حوادث مربوط به ظهور کاری بسیار مشکل است؛ چون گزارش دادن از آینده و اتفاقاتی است که هنوز واقع نشده است و به طور طبیعی نمی توان اطلاع دقیقی از آن رویدادها داشت. بنابراین آنچه در این یادداشت می آوریم حوادث و رخداد های روزگار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است که برابر روایات در کتاب های متعدد نقل گردیده است و تنها می تواند دور نمایی کلی از رویداد های ایام ظهور را پیش روی خوانندگان ترسیم کند.

وقتی ظلم و تباهی چهره عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آنگاه که ستمگران گستره زمین را جولانگه بدی ها و نامردی ها ساخته اند و مظلومان جهان، دست یاری خواهی را به آسمان گشوده اند؛ ناگهان ندایی آسمانی، سیاهی شب را می برد و در ماه خدا، رمضان، ظهور موعود بزرگ را بشارت می دهد (کمال الدین، باب ۱۴، ح ۱۷)، قلب ها به تپش می افتند و چشم ها خیره می گردد! شب پرستان، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان، در پی راه چاره ای هستند و منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه از هر کسی سراغ کوی یار می گیرند و برای دیدار او و حضور در زمره یاوران او سر از پانمی شناسند.

در آن زمان، سفیانی که بر منطقه وسیعی مانند سوریه، اردن و فلسطین سلطه دارد سپاهی را تجهیز می کند تا با امام مقابله کند. لشکر سفیانی که در مسیر مکه به تعقیب امام پرداخته است در محلی به نام بیداء به کام زمین می رود و نابود می گردد. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰)

پس از شهادت نفس زکیه به فاصله کوتاهی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در سیمای مردی جوان در مسجد الحرام ظهور می کند در حالی که پیراهن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تن دارد و پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را به دست گرفته است. او به دیوار کعبه تکیه می زند و در بین رکن یمانی که محل دفن بسیاری از پیامبران خداست و مقام حضرت ابراهیم ع است که نزدیک خانه کعبه است، سرود ظهور را زمزمه می کند و پس از حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر و خاندان او می فرماید:

«ای مردم ما از خدای توانا یاری می طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد به یآوری می خوانیم.»

آنگاه خود و خاندانش را معرفی می کند و ندای دهد:

«قَالَ اللَّهُ فِينَا لَأَتَّخِذُوا نَا وَنُصْرُوا نَا بِنُصْرِكُمْ اللَّهُ تَعَالَى؛

درباره رعایت حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را [در میدان عدالت گستری و ستم ستیزی] تنها نگذارید و یاریمان کنید که خدا شما را یاری خواهد کرد.» پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت می گیرند و گروه گروه فرود می آیند و با امام بیعت می کنند در حالی که پیشاپیش آنها فرشته وحی، جبرئیل با امام دست همراهی می دهد. آنگاه ۳۱۳ ستاره زمینی که از نقاط مختلف عالم به سرزمین وحی آمده اند بر گرد خورشید تابناک امامت حلقه زده و پیمان وفا داری می بندند و این جریان سبز جاری است تا آنکه ده هزار سرباز جان بر کف در اردوگاه امام عجل الله تعالی فرجه حضور می یابند و با آن فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت می کنند. (الغیبة نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷)



امام باخیل یاوران، پرچم قیام را برافراشته و به سرعت بر مکه و اطراف آن مسلط می‌شوند و سرزمین پیامبر ﷺ را از وجود ناهلان، پاك می‌کنند. آنگاه راهی مدینه می‌شود تا سایه عدالت و مهر را بر آن بگسترانند و سرکشان شهر را بر جای خود بنشانند. سپس عازم عراق گشته و شهر کوفه را به عنوان مرکز حکومت جهانی برمی‌گزینند و از آنجا به مدیریت قیام می‌پردازند و برای دعوت جهانیان به اسلام و زندگی در پرتو قوانین قرآن و در هم کوبیدن بساط ظلم، یاران و سپاهیان نور را به نقاط مختلف عالم گسیل می‌دارد. امام باخیل يك به يك سنگرهای کلیدی جهان را فتح می‌کند، زیرا که علاوه بر یاران وفادار و مؤمن، از امداد فرشتگان الهی نیز برخوردار است و مانند پیامبر ﷺ از لشکر رعب و وحشت مدد می‌گیرد و خداوند توانا چنان ترسی از او و یارانش در دل دشمنان می‌افکند که هیچ قدرتی را توان رویارویی با آن حضرت نیست.

امام باقر ﷺ فرمود: «قائم از ما به وسیله رُعب (وحشت در دل دشمنان) یاری می‌شود.» (کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳)

گفتنی است یکی از نقاط جهان که به وسیله سپاه امام فتح می‌شود بیت المقدس است و پس از آن واقعه بسیار مبارکی اتفاق می‌افتد که در جریان قیام و انقلاب امام مهدی ﷺ سرنوشت ساز است و جبهه آن حضرت را تقویت می‌کند و آن فرود آمدن حضرت عیسی ﷺ از آسمان است. حضرت مسیح ﷺ که به فرموده قرآن زنده است و در آسمان‌ها به سر می‌برد به زمین می‌آید و پشت سر امام مهدی ﷺ به نماز می‌ایستد و بدین وسیله فضیلت و برتری پیشوای دوازدهم شیعیان را بر خود و پیروی خود را از امام مهدی ﷺ به همگان اعلام می‌کند. پیامبر ﷺ فرمود: «سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که بشارت دهنده مردمان باشم، اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر يك روز، خداوند آن روز را چنان طولانی کند تا فرزندم مهدی ﷺ در آن قیام کند، پس از آن عیسی بن مریم ﷺ فرود می‌آید و پشت سر مهدی ﷺ نماز می‌خواند.» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱)

به دنبال این اقدام حضرت عیسی ﷺ بسیاری از مسیحیان که جمعیت فراوانی از جهان را تشکیل می‌دهند به پیشوای شیعیان، ایمان می‌آورند. گویی خداوند، عیسی ﷺ را برای چنان روزی حفظ کرده است تا چراغ هدایتی برای حق طلبان باشد.

البته ظهور معجزات به دست هدایتگر حضرت مهدی ﷺ و طرح مباحث فکری برای راهنمایی بشریت از برنامه‌های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم بازمی‌کند.

در همین راستا امام باخیل، الواح تورات تحریف نشده. کتاب مقدس یهود. را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است خارج می‌کند (روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۲۲) و یهودیان که نشانه‌های امامت او را در الواح می‌بینند، به آن حضرت ایمان می‌آورند. و پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزات از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می‌پیوندند و اینگونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می‌گردد و اسلام عزیز همه عالم را می‌گیرد. همان گونه که قرآن کریم بشارت داده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (توبه، آیه ۳۳)

و او خدایی است که پیامبرش را با (دلایل) هدایت و دین حق فرستاد تا (سرانجام) آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند اگرچه کافران را خوش نیاید»

با توجه به تصویری که ترسیم شد تنها قلدردان و ظالمان می‌مانند که حاضر به تسلیم شدن در برابر حق و حقیقت نیستند و این عده در مقابل جریان غالب و اکثریت مؤمنان تاب مقاومت ندارند و با شمشیر عدالت مهدی ﷺ به کيفر اعمال ننگین خود خواهند رسید و زمین و اهل آن برای همیشه از شرّ و فساد آنها ایمن خواهد شد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَاقِمُ

سلا بر تو ای قیماکننده بر حق

سپاهگاه



امام زمان در کلمات و دعاهای امام سجاد علیهما السلام

سید جواد حسینی؛ مجله مبلغان شهر یور و مهر ۱۳۸۴، شماره ۷۰

آنچه پیش رو دارید، نگاهی است گذرا به برخی از کلمات حضرت سجاد علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام و اهم دعاهایی که آن حضرت درباره امام زمان علیه السلام، انتظار آن حضرت، فرج او، دعا برای سلامتی و نصرت او و... فرموده است.

ای آن که عزیز خاطر مایی تو ما خسته عشقیم و مسیحایی تو
ای چشم و چراغ عارفان ای سجاد بیمار نه ای طبیب دل‌هایی تو

نگاهی اجمالی به سخنان امام سجاد علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام

امام سجاد علیه السلام علاوه بر دعاهایی که درباره حضرت مهدی علیه السلام دارد، کلمات و سخنان نغز و زیبایی نیز درباره مسائل مربوط به آن حضرت بیان نموده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

هیچ زمانی خالی از حجت نیست

امام سجاد علیه السلام فرمود: «زمین تا روز قیامت خالی از حجت نیست، و اگر حجت الهی نبود، خدا پرستیده نمی‌شد». (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲)

این حدیث به خوبی نشان می‌دهد که در این زمان نیز حجت الهی وجود دارد. منتهی این امام باید معصوم باشد و معرفی شده از طرف خدا و امامان قبلی، چنان که آن حضرت فرمود:

«جز معصوم احدی شایسته امامت نیست و چون عصمت یک نشان ظاهری در خلقت نیست (که همگان) بشناسند، باید امام از طرف خدا (تعیین) و اعلام شود». (شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۳۲)

راز غیبت و پنهان بودن ولادت

حضرت سجاد علیه السلام فرمود: «قائم ما، ولادتش از مردم مخفی می‌شود تا جایی که می‌گویند: هنوز متولد نشده است. تا هنگامی که ظهور می‌کند بیعت کسی در گردن او نباشد».

(بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵)

همچنین درباره مخفی بودن مکان آن حضرت فرمود:

«هیچ کسی از دوست و غیر دوست از اقامتگاه او مطلع نمی‌شود، به جز کسی که متصدی خدمتگزاری اوست».

(بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳)

غیبت کبری و صغری

امام سجاد علیه السلام فرمود:

«برای قائم ما دو غیبت است که یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است... فقط کسانی بر اعتقاد خود استوار می‌مانند که یقین محکم و شناخت صحیح داشته باشند و سخنان ما بر آنها گران نباشد و تسلیم ما اهل بیت باشند»

(بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴)

فتنه‌های دوران غیبت

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«ای اباخالد! برآستی (در غیبت) فتنه‌هایی همچون قطعه‌های شب تار هجوم می‌آورد که از آن جز کسانی که خدا از آن‌ها پیمان گرفته رهایی نمی‌یابد. همان‌ها چراغ‌های هدایت و سرچشمه علم‌اند، که خداوند آنها را از هر فتنه تاریک نجات می‌بخشد».

(بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵)

و همچنین فرمود:

«کسی که در زمان غیبت قائم ما - علیه السلام - بر ولایت ما ثابت و استوار بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید مثل شهیدان بدر و احد عظامی فرماید».

(بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳)

انتظار راستین و پاداش آن

برای انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آثار گران بهایی وجود دارد، از جمله امام سجاد عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «انتظار فرج از برترین اعمال است.» (منتخب الاثر، ص ۲۴۴) و فرمود: «اهل زمان غیبت او که قاتل به امامت او و منتظر ظهور او باشند، برتر از مردمان هر زمان دیگر می باشند، زیرا خدای تبارک و تعالی به آنها آن قدر عقل، فهم و شناخت عطا فرموده است که غیبت امام در پیش آنها چون زمان حضور شده است. خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله شمشیر بزنند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان می باشند.» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲)

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضرت سجاد عجل الله تعالی فرجه الشریف در تفسیر آیه:

«حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ ناصرًا وَّ أَقلُّ عددًا؛ هنگامی که ببینند آنچه را که وعده می شوند، پس می فهمند که چه کسی یاورش ضعیف تر و نفراش کمتر است» (جن/۲۴)، فرمود:

«مقصود [از مایوعدون] قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او در مقایسه با دشمنان او می باشند.»

(ینابیع المودّة، ج ۳، ص ۸۴)

در جای دیگر فرمود:

«گویا صاحب شما (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) را میبینم که پشت کوفه بالای نجف در بین سیصد و سیزده نفر قرار گرفته، جبرئیل از راستش، و میکائیل از سمت چپش و اسرافیل جلو آن حضرت قرار دارند. و با او پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله است که آن را برافراشته است...» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵)

دوران ظهور

با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برکات فراوانی عاید بشریت و متدینین می شود.

حضرت سجاد عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

«وقتی قائم قیام کند، خداوند رنج را از شیعیان ما دور می کند و دل های آنها را چون پاره آهن قرار می دهد و خداوند قدرت هر مرد از آنها را برابر چهل مرد قرار میدهد و آنها حاکمان زمین خواهند شد.» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴ و ۳۱۷)

دعاهای امام سجاد عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره امام زمان

الف) دعا برای ظهور در روز عرفه

این دعا از چهار بخش تشکیل شده است؛ لزوم وجود امام در هر زمان و اطاعت مطلق از امر و نهی او، دعا برای نصرت و یاری و محافظت آن حضرت، بیان نتایج و پی آمدهای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قالب دعا، بیان اوصاف یاران آن حضرت و دعای حق آنان. در بخش اول چنین می خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنَّا أَيْدَتِ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مُمَامِ أَقَمْتَهُ عَلَمَا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَانٍ وَصَلَّتْ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَحَدَرْتَ مَعْصِيَتَهُ وَأَمَرْتَ بِأُمْتِثَالِ أَمْرِهِ وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ وَأَنْ لَا يُتَقَدَّمَ مَتَقَدِّمٌ وَلَا يُتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخَّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ الْإِنْدِيْنِ وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِيْنَ وَبَهَاءُ الْعَالَمِيْنَ»؛

بار الها! تو در هر زمان دین خود را به وسیله امامی تأیید فرموده ای که او را برای بندگان به عنوان علم و در کشورها به جای منار [هدایت] برپا داشته ای؛ پس از آنکه پیمان او را به پیمان خود پیوسته و او را وسیله خشنودی خود ساخته ای و طاعتش را واجب کرده و از نافرمانیش بیم داده ای و به اطاعت فرمانش و باز ایستادن در برابر نهی اش و سبقت نگرفتن بر او و عقب نماندن از او فرمان داده ای! پس او نگهدارنده پناهندگان و ملجأ مؤمنان و دستاویز متمسکان و جمال و عظمت جهانیان است.»

و در بخش دوم می خوانیم:

«اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ وَأَيِّدْ مِن لَّدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَأَعْنُهُ بِرُكْنِكَ الْإِعْزَّ وَاشْدُدْ أَرْزَهُ وَقُوْ عَضُدَهُ وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ وَأَحْمِهِ بِحِفْضِكَ وَأَنْصُرْهُ بِمَلَأْتِكَ...»؛

بار الها! پس ولی خود را به شکر آنچه بر او نعمت داده ای مُلهم ساز، و ما را نیز به سپاسگزاری نعمت وجود او توفیق ده، و او را از جانب خود سلطنتی یاری دهنده عطا فرمای و درهای پیروزی را به آسانی بروی بگشا، و او را به نیرومندترین تکیه گاه خود مدد ده و پشت گرم ساز، و بازویش را نیرو بخش و به چشم عنایت منظورش دار، و به نگهداری خود حمایتش کن و با فرشتگانت یاریش ده....»

و در همچنین آمده است:

«وَأَخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالْمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ وَأَجَلٌ بِهِ صَدَأُ الْجَوْرِ عَنِ طَرِيقَتِكَ وَأَبْنٌ بِهِ الصَّرَاءُ عَنِ سَبِيلِكَ وَأَذِلُّ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنِ صِرَاطِكَ وَأَمْحَقُ بِهِ بَغَاةَ قُضْدِكَ عَوْجًا...»؛

و به وسیله او آنچه از نشانه های دینت توسط ستمگران از بین رفته را زنده ساز، و زنگ جور [ظالمان] را از طریق خویش بزدا، و سختی و ناهمواری را به وسیله او از راه خویش برطرف کن، و منحرفین از صراط [مستقیم] خود را توسط او از میان بردار، و آنانی را که قصد کج ساختن راه تو را دارند هلاک نمای....»

این همه دستاوردهای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است که در قالب دعا در سخت ترین دوران خفقان و ستم بیان شده است.

و درباره اوصاف یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ جَهْمُ الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ... الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمُ الْمَادِينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنُهُمْ...»

بارها! رحمت فرست بر دوستان ایشان که معترف به مقام آن ها، و تابع راه آنان و پیرو آثار آنهایند، منتظر روزگار [دولت] آنها و چشم دوخته به راهشان می باشند.» (صحیفه کامله سجادیه، ترجمه صدرالدین بلاغی)

ب) دعای دیگر برای ظهور و فرج

این دعا نیز در منابع متعددی آمده است و مربوط به روز عرفه می باشد. این دعا با درخواست فرج آل محمد عجل الله تعالی فرجه و در خواست یاری آنان شروع شده و با بیان ره آوردهای ظهور حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه در قالب دعا ادامه یافته، در پایان با بیان اوصاف یاران خواسته می شود دعا کننده جزء بهترین یاران او قرار گیرد. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَن آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ... وَأَنْصُرْهُمْ وَأَنْتَصِرْ بِهِمْ وَأَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ وَتَبَلِّغْ فَتَحَ آلِ مُحَمَّدٍ...»

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و فرج آل محمد را [با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه] برسان، آنها را امامانی که به حق هدایت میکنند قرار بده و آنها را یاری کن و به وسیله آنها یاری بخش و برای آن ها آنچه (وعده) فرمودی وفا کن و پیروزی آل محمد را برسان...»

در ادامه، خطاب مخصوص به حضرت حجت شده، می گوید:

«... وَأَصْلِحْ لَنَا إِمَانًا وَاسْتَصْلِحْهُ وَأَصْلِحْ عَلَيَّ يَدِيهِ وَأَمِنْ خَوْفَهُ وَخَوْفَنَا عَلَيْهِ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ الَّذِي تَنْتَصِرُ بِهِ لِذُنُوبِكَ؛ وَبِرَّي مَا إِمَامَانًا رَاحِلًا كُنْ وَبِرَّي أَوْ طَلَبِ إِصْلَاحِ كُنْ وَبَادِئِ اسْتِغْنَاءِ أَوْ جَامِعِهِ رَأَى إِصْلَاحِ كُنْ، تَرَسَ أَوْ رَأَى تَرَسَ مَا رَأَى نَسَبًا بِه [وجود مبارک] او ایمن گردان و او را کسی قرار بده که به وسیله او دینت را یاری نمایم.»

و در باره دستاوردهای دوران ظهور می گوید:

«اللَّهُمَّ أَمْلَأْ الْأَرْضَ بِهِ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَأَمْنًا بِهِ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَارَامِلِهِمْ وَمَسَاكِينِهِمْ وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَشِيعَتِهِ أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا وَأَطْوَعَهُمْ لَهُ طَوْعًا؛

خدایا به وسیله او زمین را پر از عدل کن چنان که از ستم و جور پر گشته است، و به وسیله او بر فقراى مسلمین و یتیمان و بی سرپرستان و از کار افتادگان شان منت گذار و مرا از برگزیدگان دوستان و شیعیانش، و شدیدترین آنها نسبت به او از نظر محبت، و رامترین شان در فرمانبری قرار ده.»

«وَأَنْفِذِهِمْ لِأَمْرِهِ وَأَسْرِعْهُمْ إِلَى مَرْضَاتِهِ وَأَقْبِلْهُمْ لِقَوْلِهِ وَأَقْوَمِهِمْ بِأَمْرِهِ وَأَزِقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى الْآكَافِ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ؛ و [مرا] نافذترین آنها در مقابل فرمان او، و شتاب کننده ترین به سوی خرسندی و رضایت او، و روکننده ترین آنها به سوی سخن او، و پایدارترینشان در امر او قرار ده، و شهادت در پیشگاه او را روزی من گردان، تا تو را در حالی که از من راضی هستی ملاقات کنم.»

(اقبال الاعمال، ص ۶۷۵)



شعر انتظار...

خدا کند که بیایی

الاکه راز خدایی، خدا کند که بیایی
 تو نور غیب نمایی، خدا کند که بیایی
 شب فراق تو جانا خدا کند به سر آید
 سر آید و تو بر آیی، خدا کند که بیایی
 دمی که بی تو سر آید خدا کند که نیاید
 الاکه هستی مایی، خدا کند که بیایی
 فسرده غنچه گل هفتاده عقده به دل ها
 تو دست عقده گشایی، خدا کند که بیایی
 ز چهره پرده بر افکن به ظلم شعله در افکن
 تو دست عدل خدایی، خدا کند که بیایی
 نظام هر دو جهانی امام عصر و زمانی
 یگانه راهنمایی، خدا کند که بیایی
 تو مشعری عرفاتی، تو زمزمی توفراتی
 تو رمز آب بقایی، خدا کند که بیایی
 دل مدینه شکسته حرم به راه نشسته
 تو مروه ای تو صفایی، خدا کند که بیایی
 به سینه ها تو سروری به دیده ها همه نوری
 به دردها تو دوایی، خدا کند که بیایی
 ترا به حضرت زهرا، بیاز غیبت کبری
 دگر بس است جدایی، خدا کند که بیایی

سید رضا موید خراسانی

السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَنَضْرَةَ الْأَعْلَامِ

سلام بر تو ای بهار مردمان و ای طراوت روزگاران



آرام تویی

امروز امیر در میخانه تویی تو!
 مرغ دل ما را که به کس رام نگردد
 فریادرس ناله مستانه تویی تو!
 آرام تویی، دام تویی، دانه تویی تو
 میرزا حبیب خراسانی

از تبار خورشید

نه از این کوه صدایی، نه در این دشت غباری
 نه به این روز امیدی، نه از آن دور سواری
 آن قدر لاله وارونه در این کوه نشسته است
 که نماندست به پیراهنت ای دشت، غباری
 آی خورشید تباران، همه فانوس بیارید!
 تا بگردیم پی آینه ای، آینه داری

سعید بیابانکی

سرای آشوب...

جهان خسته از ظلم و جنایت

جهان خسته از ظلم و جنایت تائبه میزند
این همه را عشق درمان است...
زمین و زمان منتظرند، بیعتی دیگر باید
تکرار این بیعت، برکت تاریخ است

ماه منیر داستان پور

محال است اهل دیدن و شنیدن اخبار جهان باشی و از قتل و جنایت و لشکرکشی آشوب گران، غارتگران و ستمکاران به مردم مظلوم کشوری دور یا نزدیک خبری به گوشت نخورده باشد و به چشمت نتیجه‌ی جولان سربازان ستم پیشه را در شهرهای به تاراج رفته‌ی جهان ندیده باشی! بعید است خبر از کودکان سرخ پوست نشنوی که به دست مدعیان صلح و انسانیت کشته شده و در گورهای دسته جمعی خفته اند. مگر ممکن است چشمت به کودکان شیعه‌ی کشمیری که در آغوش مادر شهیدشان ناله‌ی بی یآوری سر می دهند، بیوفتد و دیدگانت به اشک ننشیند؟! یک روز خبر از کشته شدن دخترکان دانش آموز افغان است که در یک عملیات بمب گذاری جان شیرینشان را از کف داده اند و روز دیگر حرف از به یغما رفتن زندگی جوانان فلسطینی ست که به دست سگ‌های صهیونیست پاره پاره شده اند! چه سرها که از تن جدا شده و چه خون‌ها که بر زمین جاری گشته تا کاخ شیطان صفتان پابرجا بماند.

روزی نیست که پیامبری جدید یا خداوندی تازه در گوشه و کناری از جهان ظهور نکند و نخواهد عنان کار از دست پروردگار عالمیان بگیرد. خداوندان و پیامبرانی که برخلاف حقیقت خداوندی بیش از رفع نیاز بندگان به فکر تأمین نیازهای بی پایان خویش اند و در پی پر کردن جیب‌های تابی نهایت عطش آلودشان به ثروت بندگان!

دم به دم فرقه‌های تازه و نو ظهور است که مثل قارچ‌های سمی و مرگ آور از زمینی که روزی محل هبوط آدم بود، می روید و مانع رشد و بالندگی انسان‌ها می شوند.

زمین سرای ستیز است و زمان آلوده به ترس! هر آنچه از حیات برخوردار است ناله و فغان به درگاه خداوند منان برآورده تا نجات دهنده‌ای را رهسپار زمین کند. صاحب نفسی بیاید تا با قدرت الهی، پرده‌ی ظلمانی گناه از دیدگان بندگان کنار زند و نور هدایت به دل‌های خسته و دردمند بتابد. کسی که راه از چاه بشناسد و به خلائق بشناساند. مردی از جنس سپیده که نوابی داوودی سر دهد و باران عنایت خداوند را چون پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله بر سینه‌های خسته بباراند. دستی مهربان که بند از پای ستمدیدگان بگشاید و بر فقرا ببخشد تا هیچکس از وحشت نداشتن، به آغوش گناه پناه نبرد. تا غربت تنهایی انسان‌ها را به هوس‌های ناشایست و نابخشودنی نکشاند و تازیانه‌ی شیطان زخم گناه بر دوش بندگان ضعیف ننشاند. کسی باید بیاید به شجاعت علی بن ابیطالب علیه السلام و به بلند آوازی حسین بن علی علیه السلام تا همگان زیر پرچمش جمع شوند و به ساحل هدایت راه یابند

بصیرت

بصیرت یاوران امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى و فرآیند دستیابی به آن در آینه قرآن کریم و کلام علوی

تلخیص مقاله آقای محمدهادی منصوری | فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود، شماره ۵۵

برای تبیین محوری بصیرت بایسته است نقش «بودن بصیرت» در تحقق ایمان را از کلام امیرمؤمنان امام علی عَلِيٌّ تبیین کنیم:

جایگاه بصیرت یاوران در تحقق ایمان

از ویژگی های بارز یاوران حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى ایمان عمیق و استوار است: رَجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ لَيَشُوْبُهُمَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ؛ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ: آنان مردانی اند که دل هایشان گویا پاره های آهن است هیچ تردیدی نسبت به خداوند قلب هایشان را نیالاید و قلب هایشان از سنگ استوارتر است.

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷

در روایت مفصلی از امیر سخن، حضرت علی عَلِيٌّ، می فرمایند:

«امام باقر عَلِيٌّ فرمود: از امیر المؤمنین از ایمان سؤال شد. در پاسخ فرمود: به راستی خدا ایمان را بر چهار پایه استوار فرموده: - صبر - یقین - عدالت - جهاد؛ و «یقین» دارای چهار شعبه است: - زیرکی و روشن بینی - رسیدن به واقعیتها و حقایق - عبرت شناسی - توجه به روش پیشینیان؛ هرکس که تیزهوش است سنجش درست را بفهمد و هرکس نسبت به آینده سنجش درستی دارد عبرت گیرد، و هرکس عبرت گیرد روش گذشتگان را بشناسد، و هرکس روش گذشتگان را شناخت گویا با آنها زندگی کرده و به آنچه درست تر باشد رهبری و هدایت شود و نگاه کند هرکس نجات یافته به چه وسیله نجات یافته و هرکس هلاک شده برای چه هلاک شده و همانا خدا هر کس را هلاک کرده برای گناه او بوده و هرکس را نجات بخشیده بخاطر اطاعت او بوده است» (الکافی، ج ۲، ص ۵۰-۵۱)

بر اساس این روایت، بصیرت اولین شعبه یقین است. اگر بصیرت نباشد، سایر شعبه های یقین نیز تحقق نیافته و ایمان به تمام نرسد. وجود مقدس امیرالمؤمنین عَلِيٌّ، «یقین» را این گونه معنا می فرماید که انسان با بصیرت، باید به اطراف نگاه کند و با دقت بنگرد و هر اندازه که نگاه انسان به اشیا و حوادث عالم، با دقت بیش تری همراه باشد، طبعاً، حقیقت آن ها نیز بهتر کشف می شود. عبارت «تَبَصَّرَ الْفِطْنَةَ»؛ یعنی «یقین» آن است که انسان، پیرامون خود را از روی دقت و تأمل نگاه کند و با دور اندیشی، درستی و به تمام معنا ببیند.

شاخصه های بصیرت یاوران حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى

از روایت امام صادق عَلِيٌّ، شاخصه های متعددی برای بصیرت یاوران حضرت مهدی عَلِيٌّ به دست می آید:

یکم. خشیت فقط از خدا

بر اساس آموزه های قرآن کریم، «خشیت» به علماء منحصر است که در آیات الهی با تعابیر متعدد از آنها یاد شده است و «بصیرت» وصف مشترك همه این هاست و بر اثر وجود چنین وصفی است که عمل بر اساس یقین، رجوع به قرآن، شناخت حق و تعارض با باطل و پیروی خالصانه از امام دارند. روایات، یاوران حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى را این گونه وصف کرده است: «وَهُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ»؛ و آنها از خوف پروردگار بیمناکند (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷). این که یاران حضرت چنین خشیتی از خدای یکتا دارند، به خاطر بهره مندی از بصیرت کاملشان است.

بصیرت یاوران مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى در روایات

در منابع روایی، احادیثی هست که ویژگی ها و شاخص های یاوران امام زمان عَلِيٌّ در عصر ظهور را بر می شمارند. از مطالعه این روایات می توان به اهمیت شاخص «بصیرت» که از محوری ترین شاخص های یاوران امام است؛ پی برد. در روایتی از امام صادق عَلِيٌّ نقل شده: «... مردانی که دل هایشان مانند پاره های آهن است. در دل این مردان شک در ذات الهی راه نیافته و نیرومند تر از سنگ است. اگر به کوه ها حمله ور شوند، آن ها را متلاشی می سازند؛ با پرچم هایشان آهنگ هیچ دیاری را نکنند، جز آن که ویرانش سازند. گویا بر اسب هایشان عقابانند. برای برکت به زین اسب امام عَلِيٌّ دست می کشند و گرداگرد او می گردند و در نبردها او را نگاهبانی می کنند. شب را به عبادت می گذرانند و روز را بر اسبان خود. زاهدان شب و شیران روزند. اطاعت پذیرتر از کنیز به سرور خویشند. چونان چراغ روشن و روشن گردند. انگار در دل هایشان چلچراغ هایی فروزان است و از ناخشونوی خدایشان هراس دارند. برای شهادت دعا می کنند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را در سر می پروراند...».

(بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷)

ویژگی ها و شاخص های متعددی در این روایت بیان شده است. یکی از شاخص های مذکور در روایت شاخص «بصیرت» است. حضرت در توصیف یاران امام می فرماید: كَانَتْ قُلُوبُهُمُ الْقَنَادِيلَ؛ گویا دل های آنان مشعل نورانی است.

مراد از این تعبیر، روشن بینی و بصیرت است. یعنی یاران حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى از بصیرت و روشن بینی، شَمّ سیاسی بالا، آگاهی به زمان و مکان و تحلیل سیاسی از مسایل جهانی برخوردارند. به فرموده امیرمؤمنان علی عَلِيٌّ؛ نور بصیرت، جان زندگی است و ایمان، سودی نمی بخشد، مگر باین نور.

(کشف المحجّة، لئمة المهجّة ص ۲۷۱-۲۷۰)



دوم. پیروی محض از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه در برابر فرمان امامشان از برده مطیع، فرمانبردارترند؛ زیرا خدا و خلیفه خدا را بر خویش مقدم می‌دارند. اینان ولایت‌مداران بی‌همتایند که به هیچ‌رو از فرمان ولی خود سر بر نمی‌تابند. لذا در وصف ایشان می‌خوانیم: «هُمْ أَطَوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسِيدِهَا». آنان بر اطاعت بی‌چون و چرای مولای خود کمر بسته و دل در رضای او سپرده‌اند و هر چه او بخواهد، آن را حق محض شمرند. لذا نه از ایشان پیشی می‌گیرند و نه عقب می‌مانند.

سوم. دوام بصیرت

بصیرت اگر مستمر باشد، به انسان در پیمودن مسیر سعادت، مصونیت می‌بخشد. ممکن است گاهی انسان در مرحله‌ای از مراحل زندگی دارای بصیرت باشد؛ اما بصیرت او دوام نداشته و در آزمونی دیگر دچار تاریکی و گمراهی شود. به ویژه در آزمون‌های دوران غیبت که مردم به حیرت و سرگردانی، گمراهی و دشواری حفظ ایمان مبتلا می‌شوند. لذا از شاخصه‌های یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه این است که «لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوَى فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى النَّحْلِ» و پیوسته در دل شب، هدایت به صراط مستقیم را از خدای بصیر طلب می‌کنند؛ زیرا دوام آن، کمال و بقای آن حال نیازمند دوام افاضه است. متون دینی و تاریخی مصادیق بسیاری از کسانی که همراه اهل بصیرت بودند را در خود ثبت کرده که در فتنه‌های روزگار مسیر درست را تشخیص دادند و به موقع و بجا اقدام کردند. امثال سلمان فارسی، ابوذر غفاری و حبیب بن مظاهر. از دیگر سو، تاریخ نمونه‌های فراوانی چون «زبیر» و «سعد بن عباد» را دارد که بصیرتشان مقطعی بود و دوام نداشت. از این رو، کسانی می‌توانند لایق یآوری امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشند که بصیرتشان با دوام باشد و در همه دوران زندگی، رخدادها را درست مشاهده کنند و با سنجش و عبرت گرفتن و تیزهوشی و دوراندیشی؛ روشن بینی و بصیرتی مبتنی بر شناخت به همراه باور قلبی داشته باشند.

فرایند بصیرت یابی

یکی از روایت‌های زیبا در تبیین فرایند بصیرت، بیان مولای متقیان، علی علیه السلام است: «هر کس باید از خویشتن بهره‌گیرد؛ شخص بصیر و بینا آن است که بشنود و بیندیشد؛ نگاه کند و ببیند و عبرت گیرد و از آن چه موجب عبرت است، نفع ببرد. سپس در جاده روشنی گام نهد، و از راه‌هایی که به سقوط و گمراهی و شبهات اغواکننده منتهی می‌شود، دوری جوید و گمراهان را بر ضد خویش به وسیله سختگیری در حق، یا تحریف در سخن و یا ترس از راستگویی تحریک نکند.» (نهج البلاغه، ج ۱۵۳)

نکته مهمی که از روایات مذکور فهمیده می‌شود، این است که بصیرت از اموری نیست که ناگهان تحقق یابد، بلکه بر اساس یک فرآیند با علل و عوامل مختلف پدیدار می‌شود. بنابر فرمایش امیرمؤمنان، علی علیه السلام می‌توان فرایند پیدایش بصیرت را این گونه بر شمرد:

..... بهره‌بردن از وجود خویش

بی‌شک برای بهره‌بردن وافعی و کافی از چیزی لازم است دامنه بهره‌وری و چگونگی آن تبیین گردد. بنابراین، انسان باید مبدأ وجودی خویش را بشناسد و بداند برای چه هدفی پایه عرصه وجود نهاد و یقین کند دنیا مزعه آخرت است. چنین بینشی تنها از طریق بصیرت محقق می‌گردد. بنابر فرمایش امیرمؤمنان، علی علیه السلام، دستیابی به منفعت برای نفس آدمی، از نتایج بصیرت و ژرف‌نگری است؛ بدین بیان که هر رخداد و آیه‌ای برای این دسته افراد نه تنها ایمان آفرین است، بلکه با روشنگری که ایجاد می‌کند، موجب می‌شود از یک رویداد، حتی از فتنه و بلا، بهترین بهره را ببرد و منافع خویش را افزایش دهد. از نظر قرآن هر رخدادی، آیه‌ای روشنگر است و لذا از آن به «بصائر» یعنی «مایه‌های روشنگری» یاد می‌کند. انسانی که اهل بصیرت است، با این روشنایی که از هر رخداد به دست می‌آورد و باطن و حقایق آن را می‌یابد؛ این امکان را برای خود فراهم می‌آورد تا از آن چیز بهترین استفاده را داشته باشد. (قرآن شناسی، ص ۱۶۷)

..... گوش سپردن به حقایق

یکی از مؤلفه‌های بصیرت، گوش سپردن به حقایق است و بصیر کسی است که به حقایق گوش می‌دهد. از این رو، وجود پر نور امام عجل الله تعالی فرجه که خود خاستگاه بصیرت است، همراه انسان‌ها را به گوش دادن به حقایق دعوت می‌کند و می‌فرماید:

«ای مردم! سخنان مرا بشنوید، و به خوبی حفظ کنید. گوش دل خود را باز کنید تا گفته‌های مرا بفهمید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷)

ظرف حکمت شدن گوش، چنان اهمیت دارد که امام عصر عجل الله تعالی فرجه بر آن تأکید فرموده‌اند.

در ترویج صاحب‌العصر عجل الله تعالی فرجه آمده است:

«خداوند از تو درخواست می‌کند ... پر کنی ... گوشم را به گرفتن حکمت.» (المزار الکبیر، ص ۵۷۲)

در مقابل، خداوند درباره کسانی که بصیرت ندارند، می‌فرماید:

«و گوش‌هایی دارند که به آن [حق را] نمی‌شنوند.» (اعراف: ۱۷۴)

در روز قیامت که حقایق آشکار می‌شود و چشم‌ها تیز بین می‌گردد و واقعیت اشیا، آن چنان که هست بر همگان هویدا می‌گردد؛ بی‌بصیرتان چنین می‌گویند:

«رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَازْجَعْنَا نَعْمَلُ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ: خدایا! دیدیم و شنیدیم، ما را بازگردان تا کاری نیک و شایسته کنیم، که ما بی‌گمان باوردارنده‌ایم.» (سجده: ۱۲)

بر اساس آیه مذکور، شنیدن که انسان را به یقین می‌رساند، از مراحل فرایند بصیرت یابی است.

تفکر در شنیده‌ها

«تفکر» از حیاتی‌ترین مراحل پیدایش بصیرت است. روایات متعددی درباره نقش تفکر در ایجاد و دوام بصیرت وجود دارد. بر اساس روایات، انسان بصیر دارای قلبی است که حیات آن بر تفکر متوقف است؛ یعنی همان‌گونه که قلب صنوبری و جسمانی برای حیات خویش نیازمند عواملی مادی است؛ قلب روحانی انسان نیز برای زندگانی بصیرانه خویش محتاج تفکر است.

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «پس به راستی اندیشه است که زنده می‌کند دل بینا را؛ چونان که روشنی جو در تاریکی‌ها به وسیله نور راه می‌رود...» (الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹)

همچنین امیرمؤمنان، علی علیه السلام برای کسانی که نسبت به حکمت‌های الهی گوش شنوا دارند و آن را با تفکر و تأمل نگاهداری می‌کنند؛ چنین دعای فرماید:

«خدا رحمت کند کسی را که چون سخنان حکیمانه‌ای را بشنود، خوب فراگیرد و هنگامی که به سوی هدایت ارشاد گردد، پذیرا شود». (نهج البلاغه، خطبه ۷۶)

تیز بینی (نظر کردن)

مرحله بعدی فرایند بصیرت یابی، «نظر کردن» است. مرحوم علامه مصطفوی درباره واژه «نظر» می‌نویسد: اصل واحد در این ماده، همان رؤیت با تعمق و تحقیق در موضوع مادی یا معنوی با بصر یا بصیرت است. اما نکته جالب توجه این‌که «نظر» به معنای «طلب الهدی و الظهور» است. بنابراین، مرحله «نظر» در فرایند «بصیرت»، به معنای «طلب هدایت و ظهور حقیقت» می‌باشد. لذا در روایات آمده است:

«نگاه چشم، اگر بصیرت کور باشد فایده‌ای ندارد». (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۲۰)

دور اندیشی (ابصار)

«هر کس با چشم بصیرت [به دنیا] بنگرد به او بصیرت و بینایی بخشد و آن کس که چشمش به دنبال آن [= دنیا] باشد و فریفته آن گردد، از دیدن حقایق ناپیدایش کند». (نهج البلاغه، خطبه ۸۲)

مراد حضرت از چشم بصیرت، آن است که دنیا را وسیله بصیرت و آینه‌ای نورانی برای انعکاس آثار جلال نعمت‌های الهی قرار دهد. در این صورت مجاری امور را به وی نشان می‌دهد. پس به خاطر شناخت حقیقت آن امور، به آن‌ها فریفته نمی‌شود. در مقابل، کسی که افق دیدش دنیا باشد، هلاک می‌شود؛ زیرا بصیرتش از آگاه شدن نسبت به حقایق امور از بین می‌رود و دنیا، او را از دیدن ماورای خودش منع می‌نماید.

عبرت گرفتن

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که از اعمال و کردار گذشتگان و عواقب سوء آن عبرت گیرد، تقوای او را از فرورفتن در آن گونه بدبختی‌ها باز دارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶)

به همین خاطر قرآن کریم، مکرر به تفکر و دقت در اعمال و کردار گذشتگان و عواقب عملکرد ایشان دعوت می‌کند و با تعبیری نظیر «وَإِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى» دائماً انسان‌ها را به عبرت گرفتن سفارش می‌کند. از این رو، امیرمؤمنان، علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزند گرامی‌اش می‌نویسد:

«بَصْرَةُ فَجَائِعِ الدُّنْيَا؛ قلبت را با نشان دادن فجایع دنیا بصیر گردان ... وَاعْرِضْ عَلَيْهِ أَحْبَابَ الْمَاضِينَ وَ ذِكْرَهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ سِرِّ فِي دِيَارِهِمْ وَ آثَارِهِمْ فَأَنْظُرْ فِيمَا فَعَلُوا... اخبار گذشتگان را بر او عرضه کن و آنچه به پیشینیان رسیده است، یاد آوری‌اش کن. در دیار و آثار مخروبه آن‌ها گردش نما و درست بنگر که آن‌ها چه کرده‌اند...» (نهج البلاغه، نامه ۲۱)

بنابر این، کارایی عبرت‌ها، روشنگری برای تصمیم‌گیری است و این، کاری است که انسان بصیر انجام می‌دهد و از سقوط در بدبختی‌ها نجات می‌یابد.

.... در جاده‌ای روشن گام نهادن

امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه ۷۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که چون سخنان حکیمانه‌ای را بشنود، خوب فراگیرد و هنگامی که به سوی هدایت ارشاد گردد؛ پذیرا شود. دست به دامن هادی و رهبری زند و [در پرتو هدایتش] نجات یابد. از مراقبت پروردگارش غفلت نوزد و از گناهان خود بترسد. اعمال خالصی از پیش فرستد».

مراد از «هدایت» در فرمایش بالا، همان جاده روشنی است که انسان بصیر در آن گام می‌نهد. بر این اساس، گوش شنوا لازم است تا حقایق را بشنود و در خود جای دهد و در مرحله بعد، گام برداشتن به سوی دعوت کننده الهی برای فهم بیشتر، و به دنبال آن، دست زدن به دامن هدایتگر و انتخاب رهبر و راهنما و در پی آن، خدا را در همه جا حاضر و ناظر خویش دانستن و از گناه و خطا ترسیدن؛ شرایط مهم حرکت است. کسی که این پنج فضیلت را به دست آورد، مقدمات سفر را کامل کرده و آماده حرکت خواهد بود....

پیام امام، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۳۵



آرامش در پرتوی زیارت آل یاسین



جهت الاسلام قنبرلی آل بویه.

آرامش در پناه امام ...

با تسلیم خودم به او که مری تمام آیه ها، تمام مخلوقات است، در واقع خودم را با هستی و نظم و ساختارش هماهنگ کرده ام و آرامش را به دلم آورده ام و با سرکشی ام تنها خودم را به زحمت انداخته ام؛ خود را از حیات و نفس کشیدن در هوایی روح افزا، محروم کرده ام که امام به حیات و زندگی دعوت می کند. این دعوت، اجابتی می طلبد و میزان این اجابت، به میزان طاعت و سرسپردگی است. من با تسلیم خود، خود را در مسیری قرار می دهم تا با وسعت یافتن خود، نقشی کاراتر در هندسه هستی ایفا کنم و آیه ای بزرگ تر باشم برای او و با اذنی که از این طریق می گیرم، من هم (داعی) شوم و دعوتی بهتر شوم به سوی او. این اجابت حتی به شیوه دعوت گری من نیز تسری می یابد. امام سخن و سکوتش، نشستن و برخاستنش و حتی غیبتش، دعوت گراست. این که من حتی حضورم، کسی را به سوی او نمی خواند نشان می دهد که هنوز داعی نشده ام و تا داعی نشوم معلوم نیست یار باشم: (وامنن علینا بنصره دینک).

رسول اکرم ﷺ با عبودیت تمامش و لبیک راستینش، شایسته تربیت توسط رب شده است و رسول، تربیت مؤمنان را به امام سپرد. او خود مرا پرورانده که (ربانی آیاته) است؛ به خوبی، من و لایه لایه مرا می شناسد؛ دردم را می بیند؛ غده های سرطانی حسد و کینه و دیگر رذایل را می بیند. او در رحمت نیز خلیفه الهی می کند: (رحمت پروردگاتان همه چیز را فرا گرفته است و من آن رحمتم). او از پدر و مادرم و از خودم بر من دلسوزتر است. او چون پیامبر رحمة للعالمین است و چه رحمتی بالاتر از این که دستم را بگیرد و مرا پروراند. او بهار است و بهار را به همه هستی هدیه می دهد. او دست مرا نیز خواهد گرفت.

اشاره

گاه چنان از دین تصویری شود که گویی دینداری به معنای زندگی با سختی، تحمل ناراحتی، سپران روزهای عمر با کسلی است و هر چه نشاط و آرامش و زیبایی است در هم سوگند شدن با دنیا و مظاهر آن است؛ اما آیا آرامش مفهومی است که از دنیاخواهی و رفاه طلبی ریشه می گیرد یا مفهومی برخاسته از روح ایمان است؟ آنچه در این نوشتار به صورت گذرا در پی آنیم این است که در رواق انس با فرازهایی از زیارت آل یس و تأمل در برخی فرازها به آرامش برسیم.

نگرانی از راه ...

السلام علیک یا داعی الله وربانی آیاته ...

هریک از عناصر پیرامونی انسان، او را به چیزی دعوت می کند و جلوه های مختلف، فرد را به جهت های متفاوت فرا می خواند، در حالی که همه این نشانه ها آمده بودند تا آیه و نشانه باشند، نه آنکه مرا در خودشان متوقف سازند و مرا به خود یا آیه دیگری رهنمون شوند. آنچه که آدمی را در ارتباطات خود دچار نگرانی می کند، عدم اعتماد به دیگران است. این عدم اعتماد در برهه ای که نیازمند کسی هست که بتوان به او اعتماد کرد و یا از او مشورت گرفت و برای نجات خود از سردرگمی یا افتادن به هزار چاه و چاله، در پی راهنمایی دلسوز و البته آگاه می گردد، چون قذحی آب می شود که یافتنش برای تشنگان حکم نجات دارد.

امام، بزرگ ترین نشانه است به جهت آفرینش و روشن ترین دعوت به سوی پروردگار است از جهت رسالت و نقش. دعوت او به جهت خالصانه بودنش، ما را از قیدها و غیره‌ها می سازد. کسی که بر خلاف سایر دعوتگران، به سوی خود نمی خواند. او (داعی الله) است و از آنجا که رهبری جامعه می طلبد که خود بر پیچ و خم های راه آشنا باشد و در حوادث اجتماعی به درستی راه بنماید، به مانند پیامبر از روی بصیرت، انسان ها را می خواند.

امام در این طریق، دعوتش را با قدرتش و با شخصیت پرنفوذش و با برق شمشیرش سعی نمی کند مرا به زور همراه خود سازد که قرار است من هم با اختیار و از روی بصیرت همراه او شوم. بدین جهت به بهترین روش مرا صدامی زند؛ او اول قلب مرا با حکمت و موعظه حسنه تسخیر نه که به تصدیق می رساند و این، تصدیق است که عرض تسلیم و خضوع مرا در خود دارد. در این دعوت بر خلاف سایر دعوت ها، در وجود من تشویش و اضطرابی نسبت به درستی مسیر و صحت و سقم گزاره هایی که به من می دهد نیست که در او هیچ انحرافی نیست.

همراهی امام ...

با لبیکی که به دعوت او گفته ام و در این دل دادگی، شریکی را برایش قرار نداده ام خود را تحت تربیت کسی قرار داده ام که انگیزه ای جز خدا ندارد. صحبت از دعوت به (الله) است با تمام جامعیت و شرافت و بلندی اش، نه اسمای دیگر. امام، به بهترین نحو مرا پرورش می دهد و من با بلا و نعمت، سختی و خوشی رشد می کنم، البته به اندازه ای که می خواهم. هر چند امام در این مسیر مرا تنها نمی گذارد و با ولایتی که بر من و استعدادهایم، من و تصورات و تصدیق هایم، من و پیرامونم دارد، مرا یاری می دهد.

سلام بر توای باب الهی ... السلام علیک یا باب الله و دیان دینه ...

تشویش و اضطراب، گاه از دست و پا زدن های بسیار و نرسیدن به هدف پیش می آید. شکست های پشت سر هم، غالب افراد را دچار یأس می کند. گاه چون کسی هستیم که سعی به ورود از دیوارهای بلند باغ را دارد و هر بار این ناکامی را تجربه می کند، در حالی که در باز است و از آن غافلیم. اینکه حضرت رسول ﷺ مأمور به سدالابواب (بستن همه درهای مشرف به مسجد) می شوند و تنها درب خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) را باز می گذارند، شاید تنها مثالی است برای اینکه حضرت علی (علیه السلام) تنها راه خدا است؛ امام فقط باب علم نیست؛ او باب راهیابی به همه خوبی هاست و نشناختن این باب است که عین گمراهی و ناکامی است که: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة».

اگر باب الهی بودن امام زمان (علیه السلام) را درک کردیم و ایشان را درب گشایش و فلاح یافتیم، هدف را مقابل خود می یابیم، نه تنها آن را دست یافتنی؛ بلکه موجود و دست یافته می بینیم.

نامیدی کاذب ...

اما یأس کاذبی ما را گرفته است؛ گاهی از این و آن می شنویم که زمان، زمان غیبت است و راه بسته. کسی نیست بپرسد که «باب الهی» بودن مگر غیبت و ظهور می شناسد؛ مگر می شود درب الهی، آن هم تنها راه، به روی بندگان بسته باشد؟! پس رود هستی بر کدام مسیر جریان دارد؟

اگر امام را در تمام صفات و شؤون، حاضر یافتیم، اندیشه ها و رفتارهایمان رنگ دیگری می گیرد. در این صورت چنانچه تلاشت را بکنی همین امام که باب گشایش است، تو را به آنچه باید می رساند؛ دیگر از شکست نا امید نمی شوی، تعجیل ها به دلت راه نمی یابند تا نهادهت را دچار برآشفتگی و اضطراب کنند. مهم آن است که بیکار ننشینی: «کسی که کارهای خود را به خدا بسپارد همواره از آسایش و خیر و برکت در زندگی برخوردار است و واگذارنده حقیقی کارها به خدا، کسی است که تمام همتش تنها به سوی خدا باشد».

لحظه به لحظه با امام ...

السلام علیک فی آناء لیلک و اطراف نهارک ...

از عواملی که باعث می شود روح انسان با هر وزشی متلاطم و طوفانی شود، گناه است. گناه ایمان را می برد و ایمان است که «امن» می آورد. در این فراز به امام عرضه می داریم که من در لحظه لحظه، تسلیم شما هستم. این ادعای بزرگی است، اما باید در مسیرش قدم برداریم.

گردش عقربه ها، آمدن روز و شب، زنگ های بیدار باشی است که مرا بیدار سازند. آمده اند تا مرا به یاد عهد خویش و میثاقی که با امام بسته ام بیندازند. استمرار این یاد است که مجالی برای تزئین و فریب شیطان نمی گذارد. در سایه این درک است که تمام حرکات انسان، رنگ پاکی به خود می گیرد. زبانش به صدق می گردد و کذب که از مهم ترین سبب های تشویش است رخت بر می بندد: «الصدق طمأنینة و الکذب ریبة؛ راست گویی مایه آرامش و دروغ گویی مایه تشویش است».

(نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۱۸۴)

در رفتار با دیگران، آنچه که رخ می نماید، عدالت است که او با یاد امامی قدم بر می دارد که داعی عدالت دارد و این نوع رفتار است که دل را سامان می دهد و قرار می بخشد که عدل، یعنی قرار گرفتن هر چیز در جایش و حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) در خطبه ای می فرمایند: «و العدل تسکینا للقلوب؛ عدل و داد را برای آرامش دل ها واجب نمود». (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸)

پناه

والغوث والرحمة الواسعة ...

گاه، تراکم گناهان، سایه سنگین ناامیدی را بر انسان می اندازد و نه تنها او را از برداشتن گام های جدید باز می دارد، بلکه خود، زمینه گناهان بعدی را پیش می آورد. از سویی برای برخورداری از ایمان با خود کلنجار می رود و از سویی درب ها را به روی خود بسته می بیند. این ها به آن خاطر است که وسعت مهربانی امام را با تنگ نظری ها و کینه ورزی های خود گره زده ایم و مانند خود، به امام می نگرییم؛ حال آنکه بایست چون او به امام بنگریم که او خلیفه الله است در همه صفات. او رحمت الهی در زمین است و همواره پناه بندگان.

امام آن کشتی نجاتی است که مرا از موج های سهمگین زمانه نیرنگ و ریا عبور می دهد و در پناه اوست که از تلاطم دریای طوفانی به ساحل آرامش می رسم.

من را به او سپرده اند

السلام علیک ایها الإمام المؤمن ...

قرآن کریم بارها انسان را به ایمان دعوت می کند؛ ایمانی که آرامش یافتن با خداوند است و این دعوت را منحصر به اهل کفر نمی کند که از اهل ایمان نیز می خواهد که ایمان بیاورند: «یا ایها الذین آمنوا آمنوا...».

رسول و امام، خود به قله این اطمینان و آرامش رسیده اند و می خواهند دیگران را نیز با خود به اطمینان و آرامش برسانند چرا که آرامش حقیقی در ایمان است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «دل میان سینه و گلوگاه لرزان است تا به ایمان گره خورد، و چون به ایمان بسته شد، قرار گیرد و این است گفتار خدای متعال: «و من یؤمن بالله یهد قلبه؛ و آن که ایمان به خدا آورد در دلش راه یابد و آرام گردد». (المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۹)

آنان به برکت آن که ذره ای در «ایمان» تردید نداشته اند و آن را از تمامیت نیانداخته اند به این اوج رسیده اند: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم أولئک لهم الأمن و هم مهتدون؛ کسانی که ایمان آورده اند و ایمان خود را به شرک نمی آلیند، ایمنی از آن ایشان است و ایشان هدایت یافتگانند» و در سایه این ایمان، شایسته آن شده است که خدا بزرگ ترین امانت را، دینش را و خلقتش را به او بسپارد. او «امین الله» است.

امام با برداشتن اسباب پریشانی و رساندن من به «ایمان» و اطمینان، در دلم قرار و سکونی می نشاند که خود بستر اصلی رشد ایمان است؛ اثر این ایمان است که در همنشینی با کسانی که نوری از ایمان در دلشان است، ما را تسکین می دهد چنان که فرمودند: «به راستی که مؤمن با برادر مؤمنش آرامش پیدا می کند، چنان که تشنه، با آب خنک آرامش می یابد» و چه همراهی بهتر و مطمئن تر از امام؛ که امام، همراهی است دلسوز و مهربان و پناه بندگان که «الإمام الأمین الرفیق و الولد الشفیق و الأخ الشفیق و کلام البرة بالولد الصغیر و مفرع العباد؛ امام، امینی رفیق، پدري شفیق، و برادری همزاد است، همانند مادری نیکوکار نسبت به فرزند خردسال است، پناهگاه بندگان است».

(تحف العقول، ص ۴۳۹)



اعمال نیمه شعبان ...

عمل دوم، دعاهای شب نیمه شعبان
این شب مبارک، شب استجابت دعا است، لذا باید فرصت را غنیمت شمرد، از گنجینه معارف دینی، بهره‌های بیشتری ببریم و ضمن زمزمه دعاهای مأثوره، خواسته اصلی خود را به لب بیاوریم که: «اللهم عجل لوليك الفرج».
اما دعاهای وارده در این شب:

یک. دعای نبوی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این شب می‌خواندند:
«اللهم اقسِم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معصيتك، و من طاعتك ما تبلغنا به رضوانك....»

دو. دعای «کمیل»

سه. دعای سحر

یکی دیگر از دعاهای این شب مقدس، دعایی است که در سحرها بعد از نماز شفع خوانده می‌شود: «الهی تعرّض لك في هذا الليل المتعزّضون،...»

چهار. دعای صلوات

صاحب مکیال المکارم درباره آن می‌گوید:
«این دعای شریف از دعاهای مهمی است که سزاوار است انسان بر آن مداومت داشته باشد و در هر وقتی از اوقات، به خواندن آن مواظبت کند. مخصوصاً اوقاتی که مخصوص حضرت است؛ مانند شب و روز نیمه شعبان.»

شب میلاد امام زمان عجل الله فرجه، شب جشن و شادی و سرور است و باید در این شب خوشحال بود؛ اما ضمن ابراز این شادی، نباید مرتکب مسائلی شد که امام زمان عجل الله فرجه از آن راضی نیستند.
این شب، یکی از شب‌های «احیاء» است و اعمال زیادی برای آن نقل شده است. البته کثرت اعمال، سبب نشود که انسان، مأیوس از انجام دادن آن شود؛ بلکه مهم این است که در شبی که در زمین و آسمان غوغا برپا است، ما نیز بهره‌ای داشته باشیم و اسم خود را در زمره ذاکران و عبادت کنندگان و زائران این شب فرخنده ثبت و درج کنیم و اگر نمی‌توانیم صد رکعت نماز بخوانیم، لااقل ده رکعت یا کمتر و بیشتر را به جا آوریم. نباید به سبب سخت بودن، همه آنها را ترک کنیم و خود را محروم از این فیض بزرگ الهی نماییم.
علمای اسلام مانند شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان یکی از اعمال مستحبی این شب را «احیاء» ذکر کرده‌اند.

..... اعمال شب میلاد

این شب، یکی از چهار شبی است که روایات زیادی درباره «احیای آن به عبادات» وارد شده است.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس این شب و شب عید فطر را زنده نگه دارد، در روزی که قلب‌ها می‌میرد، قلب او زنده است»، امیر مؤمنان علیه السلام درباره کسی که در این شب مقدس بی‌کار نشسته و سعی نمی‌کند گلیم خویش را از آب بیرون بکشد، اظهار شگفتی می‌کند.

عمل اول: غسل (نشست و نشوی جان)

غسل این شب مقدس، مستحب و موجب تخفیف گناهان می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ماه شعبان را روزه بگیرد و شب نیمه آن غسل کنید؛ زیرا این غسل باعث تخفیف گناهان و جلب رحمت الهی می‌شود.»

پنج. صلوات شعبانیه

از حضرت سجاد علیه السلام نقل شده است که هر روز از ماه شعبان، وقت زوال و شب نیمه، آن را می خوانند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَ أَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ...»

عمل سوم: نمازهای شب میلاد

یکی از اعمال بسیار سازنده و نافع در این شب، خواندن نمازهای وارده است. از آن جمله:

یک. چهار رکعت بین مغرب و عشاء

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که در شب پانزدهم شعبان میان مغرب و عشاء چهار رکعت نماز بخواند که در هر رکعتی سوره «حمد» را یک مرتبه و سوره «توحید» را ده بار بخواند و پس از تمام شدن نماز ده بار بگوید: «يَا رَبِّ اغْفِرْ لَنَا» و ده بار بگوید: «يَا رَبِّ اِزْهَمْنَا» و ده بار بگوید: «يَا رَبِّ تَبَّ عَلَيْنَا» و ۲۱ بار سوره «توحید» را بخواند، سپس ده بار بگوید: «سُبْحَانَ الَّذِي يَخْتِى الْمَوْتَى وَيَمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». خداوند متعال دعایش را مستجاب و حاجاتش را در دنیا و آخرت برآورده، و نامه عملش را در قیامت به دست راستش داده و تا سال آینده در پناه و حفظ و نگهداری خداوند متعال است.

دو. دو رکعت بعد از نماز عشاء

ابو یحیی از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد: برترین دعاها [در این شب] چیست؟ می فرماید: «پس از نماز عشاء، دو رکعت نماز بخوان که در رکعت اول سوره «حمد» و سوره «جحد». که همان «قل یا ایها الکافرون» است. می خوانی و در رکعت دوم سوره «حمد» و سوره «توحید» را می خوانی. و پس از سلام نماز، ۳۳ مرتبه «سبحان الله» و ۳۳ مرتبه «الحمد لله» و ۳۴ مرتبه «الله اکبر» را می گویی و بعد بگو: «يَا مَنْ إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْعِبَادُ فِي الْمُهَمَّاتِ، وَإِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمُلَمَّاتِ...» سپس به سجده رفته و بیست بار «يَا رَبِّ يَا اللَّهُ»، هفت بار «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، ده بار «مَا شَاءَ اللَّهُ» و ده بار «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگو. آن گاه به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت صلوات فرستاده و از خداوند تبارک و تعالی حاجتت را بخواه. قسم به خدا! اگر به عدد قطرات باران، حاجت بخواهی، خداوند عز و جل به کرم و فضلش آن را عنایت می کند».

سه. نماز جعفر طیار

این نماز آثار بسیار عجیبی دارد و در چنین شبی امام رضا علیه السلام بدان سفارش فرموده است.

عمل چهارم: تلاوت قرآن

ماه مبارک رمضان ظرف نزول قرآن کریم است و امشب ظرف تجلی قرآن ناطق از ماورای طبیعت به نشئه طبیعت و جهان ماده است، و اگر چه تلاوت قرآن در همه ایام از وظایف مسلمانان است؛ اما امشب شایسته است که بیشتر مورد عنایت واقع گردد.

جبرئیل امین به حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله عرض می کند: «یا محمد! هر که امشب را با گفتن «الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله» و نماز خواندن و قرائت قرآن و طلب آمرزش و استغفار نمودن احیا نماید، در آخرت جایگاهش بهشت است...».

عمل پنجم: سجده

رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب نیمه شعبانی نزد عایشه بود. در نیمه های شب عایشه از خواب بر می خیزد و رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشاهده می کند که در حال سجده است... عایشه شتابان به سوی بستر می رود، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر می گردند، صدای نفس کشیدن او را می شنود و می فرماید: چرا این گونه نفس می کشی؟ نمی دانی امشب چه شبی است؟ «امشب، نیمه شعبان است که در آن روزی ها قسمت شده و اجل ها نوشته و روندگان به حج معلوم می شود. خداوند در این شب از خلایقش به تعداد موهای بزهای قبیله کلب، می آمرزد و فرشتگان را از آسمان به سوی مکه می فرستد».

عمل ششم: ذکر و ثنا و استغفار

یکی از ادکاری که در این شب فضیلت فراوان دارد، تسبیحاتی است که امام محمد باقر علیه السلام درباره آن می فرماید: «... به درستی که هرگاه در این شب صد مرتبه «سبحان الله» و صد مرتبه «الحمد لله» و صد مرتبه «الله اکبر» و صد مرتبه «لا اله الا الله» بگوید، خداوند گناهان گذشته اش را ببامرزد و حاجت های دنیا و آخرت او را. خواه طلب کند، و خواه طلب نکند. برآورد».

عمل هفتم: زیارت امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسی که ۱ شب از ۳ شب؛ عید فطر یا قربان یا نیمه شعبان، قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد».

عمل هشتم: توسل به حضرت زهرا علیه السلام

امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیات اول سوره «دخان» می فرماید:

«مقصود از لیلۀ در آیه شریفه «انا انزلناه فی لیلۀ مبارکۀ» فاطمه است که «فیها یفرق کل امر حکیم»؛ یعنی، از فاطمه خیر بسیار منتشر می شود». آری، ظاهر امشب را باطنی است و باطن آن دخت نبوت، همسر ولایت و مادر امامت است.

... اعمال روز نیمه شعبان

یک. روزه: امیر مؤمنان امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «زمانی که نیمه شعبان فرا رسید، قیام به عبادات نمایند و روزه را روزه بگیرند...».

دو. زیارت امام حسین علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید: «زیارت کنندگان امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان گناهانشان بخشوده می شود...».

سه. یاد آخرین نایب: نیمه شعبان سال روز

وفات آخرین نایب خاص امام مهدی علیه السلام، جناب علی بن محمد سمیری نیز می باشد. ایشان در نیمه شعبان سال ۳۲۹ ه. ق. به رحمت حق تعالی و عالم برزخ واصل گردید و این روز سال روز آغاز غیبت کبری نیز می باشد. لذا شایسته است در این روز یاد و نام نواب اربعه خصوصاً آخرین نایب خاص احیاء شود و عاشقان امام مهدی علیه السلام زیارت نامه ایشان را زمزمه کنند.

قطره‌ای از دریای عدالت

ویژگی‌های مسئولان در حکومت اسلامی

● امامتداری و

دستور به عدالت محوری

کارگزاران در حکومت اسلامی علاوه بر امانت دار بودن باید عدالت محور باشند؛ هم عدالت خواه و هم عدالت گستر.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

آن کس در قیامت بیشترین حسرت را دارد که از عدل بگوید و ناعادلانه رفتار کند و عادلانه ترین روش برای همه بخصوص دولتمردان آن است که با مردم چنان رفتار کنند که دوست دارند با خودشان رفتار کنند.

(مصادقة الاخوان، ص ۱۲۶، ج ۶)

در حدیثی درباره حضرت مهدی علیه السلام می‌خوانیم: مهدی امیران و کارگزاران خود را به شهرها می‌فرستد و دستور می‌دهد که عدالت را در میان مردم پیاده کنند. (منتخب الاثر، ص ۵۹۳، ج ۴)

نیک روشی، زیبایی قدرت است و راهی برای پایداری آن؛ چرا که ستم کردن قدم‌ها را می‌لغزاند و نعمت‌ها را از بین می‌برد و باعث نابودی امت‌ها و حکومت‌ها می‌شود.

● حق‌مداری و حق‌گویی

حق‌گویی یکی از ویژگی‌های دولتمردان باید باشد؛ چه بسا سخن و کلامی از زبان یک مسئول و کارگزار در حکومت اسلامی زده شود که بسیار کاری‌تر و برنده‌تر از تیر و سلاح جنگی باشد، ناگفته پیداست نتیجه حق‌مداری و حق‌گویی، جلب رضایت و قلوب مردم به سوی حاکم اسلامی است.

با توجه به احادیث متواتر وارد شده در حوزه مهدویت؛ از مهمترین و پایه‌ای‌ترین کارهای امام عصر علیه السلام بعد از ظهور؛ مبارزه با ظلم، تشکیل حکومت اسلامی و اجرای عدالت است.

حتی می‌توان گفت: هدف از تشکیل حکومت، اقامه عدل، از بین بردن ظلم، به اهتزاز در آوردن پرچم توحید و دعوت همگان به یگانه پرستی و نجات از خرافه‌گرایی و خرافه پرستی است.

امام عصر علیه السلام با انتخاب کارگزاران صادق، شایسته و لایق، حکومت خود را پی‌ریزی می‌کند. با نگاهی به روایات، شاخصه‌ها، ویژگی‌ها و شرایطی برای حکومت امام زمان علیه السلام و کارگزاران ایشان بیان شده است که مرور آن می‌تواند راهگشای مادر دوران غیبت باشد.

راهنمایی برای انتخاب کارگزاران و دولتمردانی با شاخصه‌های حکومت مهدوی و یا نزدیک به آن شرایط و ویژگی‌ها؛

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید.

بالبین مقدمه به بیان ویژگی‌های کارگزاران حکومت اسلامی در دوران غیبت می‌پردازیم.

ویژگی‌های مسئولان در حکومت اسلامی

● ساده زیستی و زندگی در میان مردم

دولتمردان در حکومت اسلامی باید در بین مردم زندگی کرده و از وضع زندگی آنها آگاه باشند؛ باید ساده زیست باشند و رعایت حال مستضعفان جامعه را بنمایند؛ همانگونه که حضرت مهدی علیه السلام - اگرچه جهان را فتح می‌کند و تمام امکانات جهان به دست اوست - در میان مردم زندگی می‌کند و ساده زیست است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند که لباس او غلیظ و غذایش خشک است. (الغیبة، نعمانی، ص ۲۹۲)

● اهل کوشش و تلاش

وزیران و دولتمردان در نظام اسلامی باید همیشه آماده خدمت و تلاش بوده و هرگز نباید در این راه از خود سستی نشان دهند؛ بلکه پیشگام و پیشرو در عرصه خدمت رسانی، تلاش و جهاد باشند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که در باره حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

خداوند برای او از دورترین کشورها به تعداد اهل بدر (۳۱۳ نفر) جمع می‌کند که همگی اهل کوشش و جدیت در راه اطاعت او هستند. (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۸، ب ۲۴)

● فروتنی نسبت به برادران دینی

آفت ریاست، تکبر و خودبرتربینی است. در نظام اسلامی مسئولان، خادمان مردم هستند و باید در مقابل ملت متواضع و خاضع باشند. امام صادق علیه السلام در اوصاف حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

در برابر مؤمنان ذلیل و در مقابل کافران با عزت است. (الغیبة، نعمانی، ص ۳۱۶، ج ۱)

وظایف دولتمردان و وزیران در حکومت اسلامی

افرادی که خود را در معرض مسئولیت قرار می دهند، باید بدانند که برای رسیدن به مقصود-هرچه باشد-اگر از راهش وارد شوند و بر طبق قانون و شرع به پیش بروند، انشاءالله لغزشی نخواهند داشت و اگر هم در میانه راه اشتباه و خطایی صورت گرفت، قابل چاره جویی و اصلاح است در غیر این صورت این مسیر دامی خواهد بود برای به بند کشیده شدن و چاهی خواهد بود برای بلعیده شدن فرد در قعر تاریکی حرص، طمع، دنیاطلبی و....

در اینجا به برخی از وظایف دولتمردان در حکومت اسلامی اشاره می کنیم:

<<<< انتخاب افراد نجیب و بانگیزه >>>>

رئیس دولت اسلامی موظف است در کنار توجه به علم و تخصص کارگزاران، به ایمان و تعهد و انگیزه آنان نیز عنایت ویژه داشته باشد و افرادی نجیب و بانگیزه را جهت خدمت به مردم انتخاب کند تا بتواند به وسیله آنها وظایف خود را در قبال مردم به بهترین نحو به انجام برساند. در روایات اسلامی وارد شده است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه کارگزاران خود را از میان انسان های نجیب و با انگیزه جهت خدمت به مردم انتخاب می کند. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷)

<<<< پناه مردم بودن و جلب رضایت آنها >>>>

وزیران حکومت اسلامی باید در شداید و سختی ها و مشکلاتی که در جامعه وجود دارد پشت و پناه مردم باشند. به آنها خدمت و از آنها حمایت کنند و رضایت آنها را جلب نمایند. نرم خویی با مردم و مدارا کردن با آنها در کنار دیگر وظایف، از جمله راه های جلب رضایت مردم است.

بنابر روایات در دوران حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه مردم در مشکلات خود، به او پناه می برند همانطور که زنیور به دور ملکه می گردد (الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۷) و در حقیقت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه برای فریادرسی مردمان و مظلومان جهان قیام خواهد کرد. در دوران حاکمیت آن یگانه دوران، اهالی زمین و آسمان او را دوست خواهند داشت و از او راضی خواهند بود؛ حتی پزندگان در آسمان (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۰) بطوری که زنده ها آرزوی می کنند که ای کاش مرده ها زنده بودند تا عدالت و آرامش را به چشم خود می دیدند. (کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۶۹)

<<<< مقابله با رشوه گیری و برخورد با خائنان در حکومت >>>>

می توان به جرئت ادعا کرد که رواج رشوه در ساختار یک حاکمیت و خیانت کارگزاران آن، از جمله عوامل مهمی هستند که یک حکومت را به سوی فساد می برد و مشروعیت آن را به چالش می کشد و اگر به موقع جلو آن گرفته نشود و به صورت جدی با آن برخورد نشود، همه ارکان حکومت را سست و جامعه را آلوده می کند و مانند موربانه پایه های آن را از بین می برد.

از این جهت رئیس دولت اسلامی موظف است به کمک بازرسی های پنهان و آشکار خود و به کمک مردم، رشوه بگیران و خائنان را شناسایی و بعد از سلب مقام و مسئولیت، آنها را به مجازات برساند. از جمله کارهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه این است که به همه کارگزاران خود در همه حوزه ها دستور می دهد رشوه نگیرند و با هر رشوه گیر (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹) و هر خائنی در هر سطح و مقامی برخورد می کند، بطوری که زمین را از وجود هر حيله گرو خائنی پاک می کند.

<<<< کوشش برای گسترش عدالت و یکسان سازی حقوق >>>>

دولت مردان به تأسی از سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در حکومت؛ باید نهایت سعی و کوشش خود را در گسترش عدل بکار ببندند. در روایات وارد شده که امام عصر عجل الله تعالی فرجه، عدالت را در دنیا گسترش می دهد و همه از آن بهره مند می شوند بطوری که عدالت وارد خانه های تک تک مردم می شود همانطور که گرما و سرما داخل خانه های آنها می شود (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۲). البته یکسان سازی حقوق یکی از مصادیق همین اجرای عدالت و گسترش آن است. در دوران آن امام خوبی ها مال به صورت مساوی و یکسان بین مردم تقسیم می شود و کسی بر دیگری برتری نخواهد داشت مگر به تقوای الهی و ایمان.

<<<< استفاده از نیروهای جوان و ایجاد اشتغال برای مردم >>>>

غالب اصحاب و کارگزاران آن حضرت از جوانان هستند به طوری که در روایات تعداد پیران به مقدار نمک در غذا تشبیه شده اند. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴) این نیرو، توان و پتانسیل مترکم در جوان بهترین دلیل برای انتخاب آنها برای انجام کارهای بزرگ و سنگین در حکومت اسلامی است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بعد از ظهور، زمین را مهیا و آماده برای بهره برداری می کند و از مواهب و منابع خدادادی زمین جهت پیش برد تأمین نیازهای مردم استفاده می کند.

به یقین اوصاف و وظایف کارگزاران در حکومت اسلامی بیش از این موارد است که شمرده شد و مروری بر حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در دوران ظهور به عنوان یک الگوی پیشرفته حکومتی، می تواند ما را در شناختن شاخصه ها و مؤلفه های حکومت اسلامی و حاکمان اسلامی کمک کند و ما نیز موظفیم جامعه و حکومت خود را با شناخت این شاخصه ها و عمل به آنها، به حکومت عدالت محور آن امام خوبی هان نزدیک کنیم.

تا ان شاء الله بتوانیم ادعا کنیم

"مامنتظریم."

تنها راه ...

نمیتوانم از آستان عشق او نشان دیگری بجویم!

هرگز! ... نمی توانم از «تنها راه» چشم بپوشم و جایگزین دیگری برگزینم! هرگز! ...

آن «گل نرگس» به همراه «گل مریم» می آید، و او «تنها راه» است.

سلام و درود خدا بر «تنها راه»

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ!!

صادق سهرابی



این، آینده قطعی شماست

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک های معنوی غیبی و با ادعیهی زاکیه و هدایت های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند. این، آیندهی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده های شهدا ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

یا صاحب الزمان



یا صاحب الزمان

نیمه شعبان، سالروز ولادت منجی عالم بشریت گرامی باد.



فقط نشستن و اشک ریختن فایده ندارد!

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن های نیمه‌ی شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنفاذیه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

نیمه شعبان ، سالروز ولادت منجی عالم بشریت گرامی باد.

اُمسَد عزیز بیانِ تمہا کجائی؟



بنیاد فرہنگی حضرت محمدی (ص)